



کارگران، زحمتکشان، خلقهای قهرمان ایران!

سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن، ازیر چرخ سرنخ

کمیته‌ها هر چه باشکوه‌تر برگزار کنیم!

قیام خونین ۲۲ بهمن آتشفشان

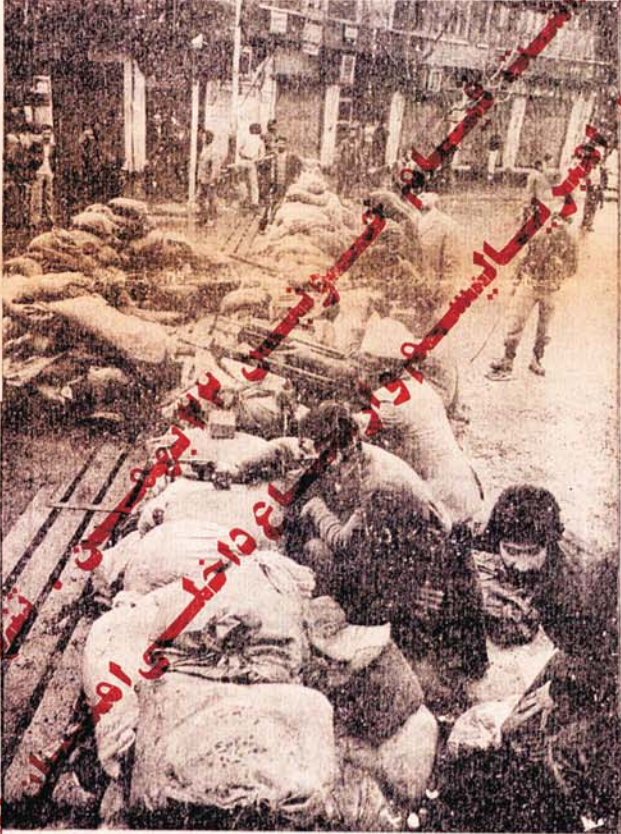
خشم يك خلق بپاخاسته!

۱۷ شهریور و تفرض انقلابی

توده‌ها علیه رژیم مشهور پهلوی

سال‌های ۵۶ و ۵۷ سالهای انقلاب بودند. سالهای اوجگیری مبارزات توده‌ها علیه رژیم پهلوی و دستفشان بودند. سالهای مبارزات انجمنی و اتحادی، زنان، و نمایندگان نمایان، حملات پی در پی نمایندگان و مظاهرات، حزب فاشیستی رضا خرمایا، سوسیالیست، سرکوبگر، راجع به دیگر عمل رورسده بود. راجع به، دانشمندان و قلمی برای ستم مردم، مردم و زحمتکشان سرکوبش شهرها و بحل، حجاب را درمی‌نوردیدند و سده خود را در شهرهای کوچک و حتی روستاهای اطراف نیز می‌گسترانیدند.

شماره در صفحه ۹



توده‌ها در پیگیری انقلاب علیه ستم و راجع به مبارزات از این حماسه‌ها جدا نمیشدند.

سرمقاله

قیام بهمن

و مآرشی دیگر

بسوی انقلاب

جده شکوه‌ها، ستم و زحمتکشان، سال‌های ۵۶ و ۵۷ سالهای انقلاب بودند. سالهای اوجگیری مبارزات توده‌ها علیه رژیم پهلوی و دستفشان بودند. سالهای مبارزات انجمنی و اتحادی، زنان، و نمایندگان نمایان، حملات پی در پی نمایندگان و مظاهرات، حزب فاشیستی رضا خرمایا، سوسیالیست، سرکوبگر، راجع به دیگر عمل رورسده بود. راجع به، دانشمندان و قلمی برای ستم مردم، مردم و زحمتکشان سرکوبش شهرها و بحل، حجاب را درمی‌نوردیدند و سده خود را در شهرهای کوچک و حتی روستاهای اطراف نیز می‌گسترانیدند.

اولین گامهای انقلاب را زحمتکشان خارج از محدوده کشور و ستم‌خوار پهلوی، خانه و کارخانه را بر سران حزب گرفته بودند. ستم و اولین ستم را بر سران حزب گرفته بودند. ستم و اولین ستم را بر سران حزب گرفته بودند. ستم و اولین ستم را بر سران حزب گرفته بودند.

شماره در صفحه ۲

انقلابیون اسیر در زندان شیراز، به خلق گزارش میدهند:

در آستانه دومین سالگرد قیام خونین بهمن ماه

در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی چه می‌گذرد؟

شماره ۱۳

کماهی به گوشه‌های از فعالیت سازمان در دوران قیام

شماره ۱۷

گرامی باد

خاطره

پیکارگر شهید

وفیق محمود صمدی

شماره ۲۲

سلاح‌خانه شکو همند برهمن

همه‌دوش بسا خلق در

سلاح‌خانه شکو همند برهمن

شماره ۱۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



طبقه کارگر از قیام می آموزد!

نخواهند قدرت خویش را مستقرا سازند؟ برای اینک به پاسخ این پرسش ها دست یابیم به درسی از قیام مرور کنیم:

اولین درس - چنین میگوید: "در دوران انقلاب میلیون ها و ده ها میلیون تن از مردم در هر هفته بیش از یک سال زندگی عادی و خواب - آلود چیز میا میوزند، زیرا هنگامیکه تحویل ناگهانی و شدید زندگی یک ملت روی می - دهد با وقوع خاصی معلوم میگردد که هر یک از طبقات این ملت چه هدفی را تعقیب میکنند چه نیروی را در پیایا و چو شای عمل می نمایند." (درسی از قیام ستاگیدا زمانه است)

در هر انقلابی با یک حزب و نیروها را شناخت، با بدید آنها از زمانه دفع طبقه ای دفاع می نمایند و سیاست میان آنها کد آمدن از زمانه قیام نیروها می که در مخالفت با رژیمها قرار دارند شنیده و دسته بزرگ تقسیم میشوند در یکسو حزب لیبرال را مانند نیست آزادی به رهبری با زرگان، جبهه ملی دوم به رهبری سنجابی و جبهه ملی سوم به رهبری بنی مدور و جریانات مذهبی مانند جریانی که بهیشتی در ایران بود و جریانی که شریعتی در ایران داشتند، این احزاب و جریانی را که غیرمستقل بودند، مخالفت با دیکتاتوری خشن شاه و موافقت با حفظ سیستم پادشاهی را داشته بقیه در صفحه

قیام خونین ۲۲ بهمن ۵۷، در سایه گرایشهای بهیشتی، طبقه کارگر با بدید این درسی را فرا میگردد. آنها را در میان طبقه ای و انقلاب آید به یکا رینند، بدون جمع بندی از مبارزات گذشته، بدون ارتقاء دادن تاسطع نشوری را هضا و بدون یکا رست این نشوریها جنبش توده ای نمیتواند به مرحله متکا ملتری از حرکت خود دست یابد. در قیام بهیشتی کارگران و توده های بیشاری دست به قیام کاری زدند، و جا نیا را نه به جنگ دشمن و ما شین جنگی آن یعنی ارتش رفتند، آنها طالب آزادی دمکراسی و استقلال بودند، آنها میخواهند بر سر نشوت انحطاط دنیا گذشتند، از جای کنده و زندگی توبنی برپا دارند، اما آنها به اهداف خود رسیدند در رژیم نشین سلطنتی در زیر گامهای بولادین کارگران و زحمتکشان منکوب و نابود شد، ارتش آنها هشتا می غربت مملکتی دریا فت کرد و امیرا لیمینا چا ربه عقب نشینی های بیس میی گردید، اما قدرت بدست کارگران و زحمتکشان نیا فتاد، بلکه قدرت بدست سرمایه داران و سرمداران خرده بورژوازی مرفه - ستی افتاد. و اما مگر این کارگران و سرمداران پیروتهای ستمدیده نبودند که با رشادتها و قهرمانی های خود در راه آزادی خون ریختند؟ پس چرا نخواهند ستمدیده روزی را به جنگ آورند؟ و اما مگر این زحمتکشان نبودند که رژیم سلطنتی را با تمام قدرت نمائی هایش محاله کردند و برپا نهادن افکندند؟ پس چرا

جواب کارکنان مبارز صنعت نفت به باوه های روزنامه های کیهان و جمهوری اسلامی

شنبه اندام وقتی مشا هده میکنیم که: به تمام خواننده کارکنان جنگزده در ۲۵ روز اول جنگ فقط چهار ساله هزار تومان علی الحساب برداخت میشود ولی روسای پاناینگاه آنها در دهمین مدت حواله ۲۰ هزار تومان برای خانواده خود در شیراز میفرستند، در تهران هم روسا و سرپرستان حقوق کامل خود را که اغلب بالای ۲۰ هزار تومان است تمام ماکمال دریافت میکنند، خانم یکی از مدیران قبلی پاناینگاه (که در خانه اش بر اثر آماجت خمپاره کشته شد) فقط حدود ۲۲۰ هزار تومان (با حقوق ۳۸ هزار تومان در ماه) با یک خرج کفن و دفن میگیرد در صورتیکه به خانواده آن کارگر زیربوشی که در آبادان شهید میشود حتی پنج هزار تومان هم نمیدهند و

آیا ما که این تفسیقات ترا می بینیم و بر ادعای مسئولین مبنی بر اینکه پول در مملکت وجود ندارد شک میکنیم و اعتراض میکنیم که چرا به ما که تمام مزد و حقوق خود را از دست داده ایم حتی مجبوریم بپاداشی تشریف و بل زندگی را دوباره تهیه کنیم حقوق کامل نمیدهند؟ انقلاب هستیم؟ مزدور و مدهشیم؟ کوسا آن روزنامه نگاری که بدون اطلاع از جریانات (تا بدیهه مطلع) در دفتر کار خود نشسته و قلم بدست گرفته و هر نوع برچسبی را که بیشتر زبینه خودش میبندد به ما می چسباند؟

میگویند ما جنگزده کارکنان را اسکان داده ایم و با نشان دادن عکس و فیلم و گزارش هر روز این مسئله را بزرگ میکنند ولی شما را بخدا پاناینگاه و اما دقا نه میگویند که شرکت نفت با آنها اسکان نداشت با حال در مورد اسکان هزاران خواننده شرکتی که کرده است ۱۲ یا زندگی بر روی قهرهای خانواده دگی در زمینه امضا بنظر شما اسکان است ۱۲ یا خوابیدن در کنار خیابانهای ما شهر اسکان است ۱۲ یا زندگی در اردوگاه جبریت که هلی کوپتر پریش میور و همراها بر شرف طوفان نتوانست فرود آید اسکان است ۱۲ یا پسر بچه فلجی که در شیراز زیر آنداز و روزی روزی اسکان است اسکان پیدا کرده است ۱۲ یا آن خانواده شرکتی با ۱۷ سوا تله تحت تکفل که در یک دکان بی در و پیگرد در ششصد سگا شیراز زندگی میکند از نظر شما اسکان یافته اند؟ چه کسی را میخواهد قریب به دهمین مرتبه از چند مملکتی را که غرود کارکنان بعد از آن میباشند از وعده و وعده های شما گرفته اند و بغیر از چند سگا خانه دیگر که مخصوص شهدا و وگروگهاست شما کارکنان را در یک اسکان داده اند؟ یا لیتا از حق نیا بدگشت چون شما در هشتای شرا بختون - کمود و روسای جنگزده را اسکان داده اند، ۲۰۰ قای روزنامه نگاری که در آن اسکان خواننده های کارکنان را که در آبادان قرار

در تاریخ ۵۹/۱۰/۹ ۵۹/۱۰/۱۰ ۵۹/۱۰/۱۱ روزی - تا مدهای کیهان و جمهوری اسلامی به فحاشی به کارکنان مبارز صنعت نفت پرداخته و بدین وسیله ترس و وحشت و زبوشی روزنامه را مقابل مبارزات یکپارچه کارگران و کارکنان مبارز صنعت نفت به نمایش گذاشتند.

کارکنان مبارز صنعت نفت در تمام جوامع به خود بهیشتی و به وگوشیها، پاناینگاه جدیدی بر میبندند، خود را به یک سرگشته است تفرقه افکننده رژیم را نقش بر آب ساخته، در زیر گامهای از این جوامع بهیشتی و به وگوشیهای روزنامه ها را میخواند:

در جواب افترا های روزنامه ها و جهت قضاوت مردم ایران و بخصوص جنگزده کارکنان ...

زبان از هوشان ما با از دست دادن خانه و کاشانه و هشتا خود را در ده بگره ها و روستاهای ایران هستند، در میان جریانه های از آبادان کارکنان جنگزده صنعت نفت آبادان و خونین شهر مهش کوچی از ایران - جمعیت عظیم و آردوشی خانما را تشکیل میدهند، ما نمی گوئیم که هیچ و محنتی که بر ما رفته بغیر از پر جنگزده کارکنان است و ما خود را تا فته جدا یافته از سایر برین نمیدانیم ولی اگر ما در اینجا بیشتر از جنگزده کارکنان صنعت نفت صحبت میکنیم به این خاطر است که شما فشار و تفسیقات را که در این مدت فقط بر این گروه رفته یعنی بر کسانی که به اعتراض همه اعصاب شکوه مند و یکپارچه از رژیم سز دور شاه شاه و آمریکا را برانداخته و در بین نیست آنوقت خود میتوانید در مورد پر جنگزده کارکنان و در دورنج آنها قضاوت کنید.

آری کسانیکه یک عمر گرمای بیش از ۵۰ درجه خورستان جان کشنده تولید کردند و با بهای اقتصادی مملکت را چراغ نندند پس از اینکه بر اثر جنگ خانما نوزاد خیر و آره شهرها و دیارهای دیگر میگردند بجای روبرو شدن با مهمان نوازی و دلجوئی، فراری و ترس و غافتن لقب بگیرند، در تمام اجتماعات را بی غیرت خطاب میکنند دستور میدهند که بر رویشان شرف بیا نیا نند و ... شدت جنگ و خمپاره بهیشتی آنچنان زیبا است که گاهای مزرعه شرکت نفت (دبری فارم) را ز شهر خارج میکنند ولی هنگامیکه کارکنان شرکت نفت با خانواده های خود در اردوگاه زیبا میباشند در شهرها قرار میگیرند و این بر خورده بهیشتی ۵۹/۷/۲۷ وزیر نفت و روسا میباشند که یک دستور حدود ۸۵ درماد کارکنان را بدلیل ترک آبادان اخراج و معلق میگرداند، آنها به این بهیشتی اعتراض کرده و پس از مدتی موفق به لغو آن میشوند، از آن تاریخ تا کنون بغیر از دریافت مبلغی ناچیز بعنوان علی الحساب در مورد بر خورده های خود فقط وعده و وعید

اخبار کوتاه

ورامین: رژیم کارگران کا رخا نه مهمات سازی "پا رچین" را وادار کرده است تا با شدت هر چه بیشتر به تولید مهمات بیشتر برای کشتار زحمتکشان عراقی و سرکوب توده های انقلابی ایران بپردازد، رژیم در پیشبرد این هدف مدخلتی خود، حتی برای جان کارگران زحمتکشان از روشی قائل نیست، او را و دریاها هنگامیکه ریک گلوله آبی، ۷ منفجر میشود که موجب قطع شدن سرب کارگر و قطع دست کارگر دیگری میشود.

تهران: چندی قبل کارگران شرکت "پلاستیران" برای کم شدن ساعات کارشان از ۱۲ ساعت به ۸ ساعت در روز، با اعتصاب میکنند و موفقت میشوند که برای مدتی بخواب خود بر سرند، اما با ردیگر بدیست کارخانها و نشوری غرود کارگری اسلامی کا رخا نه مسئله ۱۰ ساعت ۱۲ ساعت کار در روز و از مطرح میکنند، این مسئله

خواننده میباشند اسکان آنها در مناطق جنگی اختیای گرفته ای بطور خود اچاره داده ای که خواننده های ما را تعبیر و تفسیر نمائید ۱۲ یا میداند که فقط در چند هفته اخیر چندین نفر از همکاران ما در برین راه ما شهر - آبادان در اثر شاد دلنج شهید شده و وعده زیبا در مجروح گشته اند، اما میداند که در آبادان از کارگران که شهید گرفته و آنها را

علیرغم آنکه با مخالفت شدید و اعتراض کارگران مواجه میگردد، ولی با اخراج چند تن از کارگران مبارز توسط شورا، سرمایه داران و عمالشان میتوانند موقتاً خواست خود را بر کارگران تحمیل کنند، اما مبارزات کارگران برای کم کردن ساعات کار کاملاً ادا نموده اند.

اصفهان:

با ردیگر نظام سرمایه داری از کارگران قریبانی گرفت اما اینها رنده محیط کار، بلکه متن از کارگران زحمتکشان کا رخا نه بجای اکریل اصفهان گوشت دم توب جنگ سرمایه داران و قریبانی منافع مدخلقی آنان داشتند، رژیم برای پیشبرد اهداف خویش در جنگ تا عا دلانای که من زده است منتظان خدمت سال ۵۶ را به جبهه فرستاده قریبانیان کا رخا نه بجای اکریل جزو این گروه بودند، ضمن تسلیم به خواننده های این قریبانیان و شما می کارگران ایران با ردیگر اعلام میداریم که قاتلین واقعی این کارگران رژیمهای ارتشائی ایران و عراق می باشند که چنین جنگ تا عا دلانای را به خلقهای دو کشور تحمیل کرده اند.

مجبور میکنند که با ورقهای را امضا کنند که در آن قیده و در پیاده شرکت نفت مبارز است هرگونه تمیمی را در مورد آنها انشاء کنند

شورای سراسری کارکنان جنگزده صنعت نفت آبادان و خونین شهر (فریاد آوارگان شما ۱۱).

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

اعلام حکومت نظامی به بهانه جنگ در شهرک طالقانی

حکومت نظامی سلاح کهنه‌ای است که رژیم‌های ارتجاعی به هنگام امواجی می‌زنند و تا توانی خود در سرکوب آن بداند متوسل می‌شوند. اکنون نیز از فراپیش شدن اوضاعی در میان توده‌ها بطور عموم و آوارگان جنگ علی‌الخصوص، فعلا لیت بکیریه ان‌کمونیست‌های راستین برای افشاء حکومت ویا لا بودن سلطه آگاهی توده‌ها... رژیم جمهوری اسلامی را مجبوراً خنک‌کوبه این سلاح زنگ زده دست‌بردنا به خیال خام خود به سرکوب می‌زنند و توده‌ها به زندگی تنگسختی خویش چندان‌سی نمی‌دانند.

در شهرک طالقانی (کوره‌ها) از ساعت ۸ شب به بعد عبور و مرور ممنوع گردیده است. به

دنیا ل این اعلامیه‌های افشاگرانه‌ها زمان دروا به بهانه‌های ارتجاعی رژیم، پادار ان حامی حکومت به تکرار پوشتاده‌های از ساعت ۸ شب (با تاریک شدن هوا) هر کسی را که در کوچه‌ها در رفت و آمد ببینند مورد بازخواست و پرس و جو قرار می‌دهند و در صورت مشکوک بودن او را به سپاه برده و پس از تحقیقات لازم آزاد می‌کنند. براساسی که تاریخ سند گویا و زنده‌ای است اگر رژیم پوسیده پهلوی با اعلام حکومت نظامی در چندین شهر بزرگ توانست خود را نجات دهد، رژیم جمهوری اسلامی هم‌قادر خواهد بود و اگر نه طوفانی‌ها بی‌کدره‌ها است درامان باشد.

ملقات بنی صدر با آوارگان یادآور بازدیدهای شاه‌خائن

صحت، با هلیکوپتر خواهر را ترک می‌کوبد پس از رفتن بنی صدر آوارگان در گوشه و کنار از شب‌ها این بازدیدها با زبده‌های شاه‌خائن صحت می‌کوبد. مردم از خود می‌پرسند که بنی صدر آمد اینجا چکار کند؟ یا چرا به بازدید می‌رود؟ زکدا میک از مردم در مشکلاتشان شوال کرد بیکند! مغواست ما حتی گوش داد از زحمتکشان آوارگان می‌گفت: "اینجا نمیکشود هندبهرای آوارگان کاری نکنند" زحمتکشان ما به ما هیت پرا زفریب و ترسنگ لیسرا لیسرا بی می‌نروند و ما رزعه علیه لیسرا لیسرا و نیز حزب جمهوری اسلامی در تداوم انقلاب خونین ایران می‌کوبند.

بازدیدهای عوام‌فریبانه شاه‌خائن را زحمتکشان ما بخوبی بیاد دارند که چگونه به قیافه‌ای "پدرانه‌سختی" در پوشتادن ما هیت زدگار و غلطی خود داشت. بازدید بنی صدر از اردوگاه آوارگان در خواهر بگا و دانتگا ه متنی امفان هم برای آوارگان با داور باز - دیدهای شاه‌جلاد بود. بنی صدر با هلیکوپتر وارد خواهر بگا و میشد و قبل از او یک کامیون سر با زنده‌های ما شینهای لوکس وارد خواهر بگا و میشد. طرف خواهر بگا و میشد. سا خمتانها را سر با زان پر کرده بودند. بنی - مدرومها را شش پس از بازدید از خمتان ه به میان آوارگان آمده و پس از چند کلمه

اشغال دبیرستان خوارزمی:

آغازگر شیوه‌ای فاشیستی در سرکوب مبارزات دانش‌آموزان



در حال نگهبانی از درب بسته دبیرستان

پوسیده... بی‌روابط اما ماست. حزب پیا کوک کردن عوام‌فریبی را شال لگرا نسیا هوش دبیرستان خوارزمی درمداست تا به تکرار اعمال فاشیست‌ها در برابر آنداختن دسته‌های سرکوبگر "پیراهن قهوه‌ای" و "پیراهن سبک" "پیراهن زرد" حزب جاکم درمداست تا در صورت موفقیتش در این شیوه‌ها تکرار آن در تمام مدارس و عرصه‌های مبارزاتی توده‌ها بپردازد. اما دانش‌آموزان انقلابی همان گونه که توطئه‌های سرکوبگرانه رژیم را از بین می‌کنند و مبارزات خود را به شکل روزافزونی گسترش داده‌اند، این شیوه جدید ارتجاع را نیز با مبارزات انقلابی خود خنثی خواهند کرد. تقلیدهای حزب جمهوری از شیوه‌های فاشیستی سرکوب نیز چیزی جز ریکا تور - های رسوا نبوده و انقلابی جا معده و آجگری مبارزات دانش‌آموزان انقلابی برده‌ها رژیم‌مشت محکمی خواهد بود.

به افشای توطئه‌های سرکوبگرانه رژیم درمدا رس پیردا ختوبسا اتحاد دود آنها را خنثی کنیم!

روز دوشنبه ۱۳ بهمن دبیرستان دخترانه خوارزمی شماره ۲ توسط عوام‌فریبان جمهوری اسلامی و بر طبق یک برنامه از پیش تعیین شده اشغال گردید. دانش‌آموزان هنگام مراجعه به دبیرستان با بسته بودن درب آن و نصب شدن پلاکارد - های حاکی از اشغال دبیرستان تحت عنوان "بستن ۱۳ بهمن با نگاه توطئه و فساد؟" مواج گردیدند. اشغالگران که خود را دانش‌آموزان مسلمان پیرو خط امام می‌نامیدند، اجازت ورود به هیچکس را ندادند و بی‌فحاشی بر علیه دانش‌آموزان می‌پرداختند.

این وقایع در شرایطی رخ می‌دهد که ما شاهد و آجگری جنبش دانش‌آموزی بطور کلی وجود جو انقلابی دانش‌آموزان ایرانی دبیرستان بطور مشخص، می‌باشیم. رژیم پهلوی نیز برای سرکوب نمودن مبارزات پرشور دانش‌آموزان این مدرسه اقدامات متعددی انجام داده است. از جمله تاکنون به اخراج ۲۰ تن از دانش‌آموزان انقلابی پرداخته اند که بیشترین رقم اخراج در میان مدارس است. اما دانش‌آموزان مبارز با ادامه فعالیت‌های انقلابی خویش مشت محکم پیروزه رژیم زده و تلاش‌های مدبوحه‌ها را خنثی کرده‌اند. بدین ترتیب می‌بینیم که توسل ارتجاع به آخرین حربه خود یعنی سرکوب مستقیم با توسل به شیوه‌های فاشیستی و انجام آن در این مدرسه نه اتفاقی بلکه کاملاً حساب شده می‌باشد.

حزب جمهوری اسلامی که در نزد توده‌ها مفتضح گشته، با یک درمداست خوردن از دکان

به بهای خانه خرابی زحمتکشان، میلیونها تومان صرف ساختن فیضیه می‌شود

از آنجمله است، حدود چهار ماه است که شب و روز برای احداث فیضیه تبریز کار می‌کنند. این ساختمان در بهترین نقطه تبریز قرار دارد و دارای بیش از ۱۲۰۰ اتاق می‌باشد و تاکنون بیش از سیلیون تومان صرف آن کرده‌اند. این ساختمان به دروا ختونی مرتجع می‌پرورش با بندگی "موظفه‌های خود به تمسبی توده‌ها پرداخته و آنها را به فساد عت نسبت به آنچه که دارند (یعنی هیچ چیز) وادارند. تا سرمایه‌داران و مفتخوران با استنفا زحمت - کشان جیبهای خود را آسوده‌ها غریب‌کنند و فربه‌تر شوند.

آری اینست آن نیازی که حکومت را به ساختن مکان‌های آجگاهی از دسترنج زحمت - کشان و امیدارد. اما زحمتکشان به بهیود زندگی رفاه اجتماعی، کمب‌آزادی و استقلال نیا دارند و هنگامیکه این نیازی را آگاهسی طبقاتی همراه با تودمت رهبری با کفایت طبقه کارگر قرار بگیرد این ساختمانها و اما آن در اختیار کارگران و زحمتکشان قرار خواهد گرفت و به صورت سنگری برای درهم کوبیدن سرمایه‌داران و وابسته‌ها و همه مرتجعین درخواهد آمد.

روزی نیست که رژیم جمهوری اسلامی در بوق و کرنا تبلیغاتی اش بدروغ خیرکیم به آوارگان چنگوده را ندهد. در این میان باباز کردن حسابهای مختلف کوشید تا آخرین رقیب زحمتکشان را به بهانه که به جنگزدگان بگردد، اما حرص و ولع رژیم جمهوری اسلامی بسیار فراتر است تا آنجا که زحمتکشان را به بهشتیدن ما بحتاج زندگی خود ترغیب کرده و حتی از چند تخم مرغ زن زحمتکشی که دچار توهم نسبت به حکومت است نیز نمی‌گذرد، اما زحمتکشان ما با پدید آمدن توده‌ها بین مبالغه صرف چه هدفی می‌شود؟

درست در شرایطی که آوارگان جنگ از فقدان بهداشت، مسکن و... بجان آمده‌اند و درست در زمانی که محرومان حق طلبانه آوارگان جنگ نسبت به افواج تا بهامانان با سرکوب مزدوران سرمایه‌با سخ داده می‌شود دست اندکاران حکومت بوجه‌های کلانی را به نامین نیازهای خود، نیازهای که با سستی در جهت حفظ نظام پوسیده سرمایه‌داری و تصحیح توده‌ها و گسترش چهل برآورد شده، اختصاص داده‌اند. احداث فیضیه جدید تبریز که هزینه آن از عمر جیب زحمتکشان تا مین می‌شود،

زحمتکشان: صادره انقلابی رژیم جمهوری اسلامی: بازهم سرکوب

زحمتکشان بوسیله یکی از پاسداران چندی قبل با قنداقی ۳ - مغروب شده بود. زن زحمتکش ادا می‌دهد که: "این ساختمان مال یک سرمایه‌دار است اما ما نمیتوانیم حرف‌ها بمان را بگویم مردم برسانیم چون را دیوتلو بزیون درست دولت است" پاسداران سرمایه‌به همراه کلانتری ۸ او غردی ما به زهم - خمتان را در اختیار آورده و مرد را تهدید به تخلیه ساختمان می‌نمایند. رژیم به تهدید و ارباب سرکوب زحمتکشان ادا می‌دهد. در حالیکه زحمتکشان بی‌مسکن با تمام نیرو در مقابل شاه‌جامت رژیم مقاومت می‌کنند.

مما دره انقلابی آرا رمتانهای سرمایه - داران شوست زحمتکشان بی‌مسکن اقدام می‌است انقلابی و بر علیه امیرا لیسرا رتجا ع

مما دره انقلابی آرا رمتانهای سرمایه - داران شوست زحمتکشان با رها توسط رژیم جمهوری اسلامی سرکوب شده و می‌شود. نمونه زیرکوشی از این سرکوب را نشان می‌دهد: حدود یک سال و نیم پیش عسده‌ای از خانوادها زحمتکش که قبلاً در نای آساید و کشتارک زندگی می‌کردند، ساختمان "لاله" را در خیابان کارگرگشالی مما دره انقلابی کرده و در آن سکنی می‌گزینند. ما حبابا - خمتان مرد شروتمندی است که ما هیا - سه فقط ده هزار تومان کرایه ساختمانها بشر می‌گیرد. زن زحمتکشی که ساکن آن ساختمان بود می‌گفت: "از یک سال و نیم پیش که اینجا آمده - ایم پاسداران و کلانتری ما بیکیا ربه اینجا حمله کرده و تن ما را می‌لرزاند و تهدید می‌کنند که ما باید اینجا را تخلیه‌ها شد. " پس زن

مبارزه علیه جنگ راه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

سرما به داری و بسته قرار داشت، نفخه‌ده و
هتیارانه به مقابله انقلابی با توطئه‌های
فدا انقلابی عوام‌فریبان و سوار شده بر موج
انقلاب برخاست، چه خلق قهرمان کرد، بدین‌شی
می‌دانست و میداد نذکه تحقق عوام‌شاهی خلق-
های در محضتشان ایران در پرتو پیروزی انقلاب
خلقهای ایران بوده و این عملی بی‌نظم مگر

خلق زرمنده گردید بپای خلقهای زمختش
زان درماهای قبل از قیام ۵۷م بسا
هرات و راهبها بی و مبروات انقلابی
بر انقلابی زرمضغی شاد و قهرنا نه در
بش خلقهای ابران شرکت کرده و
دای بسیاری را تقدیم راه انقلابیان نموده
هرات با نگو هالی زمختش شهرهای
نزد، سقر، بانه، باه با دوهدها شهیدگر
در دماهای زمختش را نشان میداد. آری
برغم تبلیغات و توطئه و تحریکات زرمض
پوری اسلامی در جهت خشک نشانی انقلابی
کرد در میان زوات زمختشان ابران بسر
پیرموشه، خلق کرد با مفاو بر علیه
پرموشه، میربا بسنه، جنگید با این
برکه در چاه چوب ابران از او دمکرا تنگ
سایه تا سطلی - بلقانی و استعمار
بودا لبا و اکین سرما به دوان برگرد
ایش را از زمین ببرد. قیام ۲۲م بهمن ۵۷ فرا
بدخلق زمختش کرد، همچون خلقهای
ابران ابران گردستان را بر عرصه نبرد
سلحا به خودبا ارش دخلق شاد تبدیل کرد
اکز تنگجهما زمان مهنی سا و اک را به
ش کشید، مزدوران دخلقی سا و اک را
و تنگبر و سوا عمل او خوردا دوزمن
نکوم کردن تا بلات تجزه طلبا به عنا صر
نجم ووا بسته گردستان با دای رسا
مستکی هرچه بیشتر و مستکتر خود خلقهای
ابران را انا نمود، اما بیتر از یکما از قیام
مدهمن ۵۷ گذشته بود که طرلاش
ای کسب خود مختاری، این حقوق مفعود،
در محله و حتی زرمض پوری ابران قرار
افت، زرمض که بیرو سرما نظام ابران -
پوری لاکه در واهمان ابرازی خلق زمختش کرد
عالم نموده که با نشان بآن شوده های
مختش ابران را کشتار کرد بود.
بدینا بل قوط با گنا به بدست نوسای
قهای ابران دوشرها، ارش دخلقی
بپوری دوسر ابران از جمله درما به
دستان به تمتع از ساسات سازش و هر سان
اقرار بلمیه مالحاح اعلامیه سکی -
مقدت فریسی بیش نبود تا بدین وسیله
رنگار را بقدرت خزیده دستکهای سرکوب
برر زرموشه و اکر گهای دخلقی وابسته
بپرموشه را از سبب انقلاب و سل پندان کن
کت زمختش انا محظف نگهدارند. اما
زرموشه و اکا مرکز دیرپا بن هینگی
ارش کن گشتا و تنها در خدمت حفظ ستم

همه بر روی تکیه‌شماره که لی بی د ست
 همه بر روی زنگار پانه ته واکورد
 بزی کردن ستان
 همه بر روی شورشون
 همه وه بن ته ویزا؟ه لی شورتی گر
 که لی شورتی وان
 بی ناره که مارکس و متتالین
 کوماطه تارده د بزی
 زنده باد مبارزه خلقها، تحت ستم
 زنده باد رستگاری خلق کرد
 زنده باد کردستان
 همیشه زنده باشی ای انقلابی
 برد و باد، همه سنگی ای خلقها
 وطل انقلابی
 فکر مارکس، تجربه لنین
 که در دل خلقها زنده است

اینکه ارتش خلقی تا ودمتکا های س رگو ب
گرا آمریکا شی ارتشیان نا بود گوده ، برپایه
همین آکا هی انقلابی روز جمعه ۵۷
تدوم زمستان و قهرمان ما هیا د جهت اند
قبا ترمو هندیمن و دستان یی بیست و روز
نهای یی به پا دگان ما د حملہ کردند ، این
حرکت انقلابی مردم ما د مورخا بیست
پرتل انقلابی درون پا دگان ن فرا گرفت
و آنها به دزمجتکا ن مسلح ما هیا د ، ضد
انقلابیون ارتش آریا مری را که از برکت
ما ش رهبر نا د امیرا بیست مرنا مست
خودا بقا تده و مدخل سخ و دستگیر نموده
پا دگان ما هیا د با کلیه تجهیزات و سلاحا ی
نظامی اش دست رزمندگان د لبر خلق کرد
بعدا دوش است که چنین حرکتی نمیتوانست
افشا د جمهوری اسلمی کسودا ی وراشت
نظا سرما به داری و استرا دسری می بولاند
خوش بیا د ، بهمین غا طرفا نتوهای ارتش
ما هیا د بهر وادرا و مدخل و دمتکا ش
کرد مودا نوا و توهمنا و آنها ما تفسد
تقلای ، فرا گرفت ، ما خلق زمستان کردا

حرکت با زنا بسنا دویه مبارزه جهت تسلا و انقلاب و کسب خودبختی ری بسنوا ن حقوق حقه خودا مدهادودر نوروزخوشون ۵۸ ۲۸۰ مرداد ۱۳۰۵ و اوبل اوردیبخت اواز غاکبکسر جنگ ارتجاعی ایران و عراق با رها سرورد و خشیانه ترین بوش ها و قتل ها کهوا ن از طرف رژیم جمهوری اسلامی قرا گرفت ا مینا خلق قیرمان کرد با بهای خلقی از زمککون ایران برای حفظ بسنا و ردهای قبا منگوکمند و در جهت کسب خودبختی ری در برتورها بی خلقی را سرا سرا بران به بهاییک و مصلحانه خودا مده میگذه و بشیرگرا ن جنبش قنا و ست خلق داین خوشیدگان انقلابی اذول اذول خلق کرد رژیم جمهوری اسلامی را با رها و با رها زیر ضربات دگانی اما ن خود قرا و ده اند اری تخسیرا دگانی مهاباد بسرا غا جنبش انقلابی خلق کرد علیه رژیم جمهوری اسلامی بنما ری می آید رژیمیی که چیزی جز محصول سازشانه همبران با امپریا لیزم نیست اگر چه رژیم مذور است مقلو کریم رژیم جمهوری اسلامی در قبال ا خلق کردها ن راهی ا در بیشت روی خود گذشت که رژیمشا غذا شته دویه همیسنا غا طرف خلقی دلبیر کردن بسنا ن راهی ا در قبال رژیم مهاباد خلقی در بیشت گرفت که در مقابل رژیم مهاباد بیشت روی خود گذشت تسلا

بقية ارمطه ٢١ حزب نووه...

[illegible]

به ما در اینجا احزابهای بی شائبه
غاشین خود را، ولیبرالها بی اقبال
شعبی بر دارم و آن را به قدرت دیگری
تسليم می دهیم و اشتات را به کمینگس حزب
توده ها اعلام کرده که ما دولت موقت را
حزب توده ها بر اساسی قبول شرط در خدمت
دولت ما زرگان قرار گرفته و حزب توده مردم
شماره یک شدت از حسن توبه که دفاع
ومدنی جلاد را ما هم مورد تشبیه بی خود قرار
داد، در اینجا تشبیه تریا تشبیه می
لیبرال که در حزب توده بود و در انتخابات
خیبران و مجلس اسلامی نیز عزت اسلامی
لیبرال که در حزب توده بود، آری ما که آمد
لیبرالی، کنونی دروغی بیش نیست تا حزب
توده بتواند در حزب جمهوری اسلامی، رهبران
را در شهید سر ما به در "خوش شایسته" تبدیل
ایران به "شکارگاه خصوصی" سوال امیر -
لیسم روس را باید، آری ملوس کوچولوی ما
زمانی در دیفل شافان شد، دیگر سار
در آغوش لیبرالها و بانک در خدمت حزب
جمهوری و فردا

مرتجعین توده‌ای را بیش از پیش افشا و
طرز دغا کنیم. ما که ضد لیبرال‌ها را
از جهره گرفته حزب توده بدر می‌ریم!

همه رمزی تیکوشیناگه لی بین ده ست
 همه رمزی روزگارانه ته واکورد
 بزی، بزی کوردستان
 همه رمزی شورشوان
 همه رهه بین ته واکرد؟ لی شورن گر
 که لی شورن وان
 بهین نیا ره ک مارکس د بینا لنین
 گزوما یله تازه د بیزی

 زنده باد مبارزه خلقهای تحت ستم
 زنده باد رستگاری خلق کرد
 زنده باد، زنده باد کردستان
 همیشه زنده باشی ای انقلابی
 پرد و ام باد، همسنگی انقلاب خلقها
 وطل انقلابی
 تفکرمارکس، تجربه لنین
 که در دل خلقها زنده است

این طرح، در سرگذشت سالروز شهادت قاضی محمد بشیانگذار جمهوری خود مختار کردستان تهیه شده بود)

حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست

برای جلب افرا دمتزلزل ارتش دست بسته میا زده ای کلا جدی زده، اعلامدار و پیم - (نرسای قیام مکتوب).
آری با بدستگاه دولتی را در زیر ضربات مسلحانه جنبش خودی تا نبودا خت و قدرت نوین کا رگران و رزمندگان را برپا داشت. آری انقلاب ازنا بودی دستگاه دولتی کهنه ووو وگونی طبقه سرما به دادر میگرد و پروا فح است که این تا بودی فقط به ایگا، قهر مسلحانه خودی قابل تحقق است.

چهارمین درس - انقلاب وقیا مبرایا بدستدارک دید، قیام، بهمن بدون تدارک قبلی بنا گها ن منفجرشد. البته این قیام جنبه اوج نشیون میا زان تا بود، لیکن لحظه انجا را کسی نمیدانست، اعضا بات و نظا هرات بشکل مقاومت تا بهتری تکامل میافت و وسوسه قیام می شافتا مار فیهین دوره طبقه کارگر و توده ها را تا دگی متشکل و لایز بر سروردا نبودند. وقتی که انجا ربو فووع بیوست عمل انقلابی و مستقیم توده ها فرستگاه ارتش و رزمی جوتربود و ما زنده میماند متنا سبب وجود داشت. کارگران و توده ها قیام مبارزه طبقا تی و در بنتر بر حوا ن انقلابی پیدا ر شده بودند و از خود عملیات متشورانه ای نشان میدادند از انا گذشتگی شما به مقا بله با دشمن میروند. بنیروی تا تاریک و اوجا ر - الفا ده کارگران و توده ها به حرکت درآمده بودند آنها بزرگترین و جدیدترین ابتکارات انقلابی را بکار می بستند. اما علیرغم تمام قهرمان ها تا قیام، طبقه کارگران و رزمندگان فاقد دورنمای روشن، فاقد تشکیلات متنا سب و فاقد امانت دانی نظامی خود بودند. آنها در مبارزه انقلابی خودشان نمیدادند که توده ها و افقا تا ریشا زشت و قهرمان تا ن چریک علیرغم تمام انا نشانها ها هرگز نمیتوانند قدرت لایزال را بنیال فریتند که حکومت را شکست دهد. اما در زمان قیام این قدرت عظیم توده ای طبقا تی را بنیوود و اوره بود که در سرتارده است شده ای به پیش تمویف، بنا بر این باید از قبل بطور همه جا نشیای انقلاب را تدارک دید بدون کار تدارکاتی ترویجی، تبلیغی، تشکیلاتی و نظامی انقلاب وقیا نمیتواند به پیروزی برسد.

پنجمین درس - قیام علما قهره بر طبقه کارگر بود، کمونیستها به سبب انحرافات خود (مشی چریکی و اکوئونیسم) و ضعف خود نشان بودند را بطه محکمی با طبقه کارگر برقرار نمود و آن را براساس یک برنامه موخ مشی پرولتری و با انکا به یک شکل قدرتمند به ران جنبش توده ها تبدیل نما یند. به همین خاطر طبقه کارگر در زمان قیام متوانست بر ران جنبش قرا رگرفته و پیروز مندانه آنرا هدایت نماید. طبقه کارگر فاقد بدشولوسی مارکسیستی، لنینیستی بود و عملا علیرغم تمام قهرمانی های خود به دنباله ر و غرورده پروژوازی و بورژوازی تبدیل گردید و فقدان رهبری پرولتاریا تا ساسی ترین عاملی بود که مانع از آن شد تا قیام به پیروزی خود دست یابد. کمونیستها با بدشولوف طبقا تی متنا سبب بر نموده و اشتراک متافع طبقات دیکرات با پرولتاریا را مشغی ناخفته و نقش تاریکی پرولتاریا را برجسته و زنده نشان دهنده که طبقه کارگر به پیگیری طبقه اجماعی بوده و از آنجا که برای پیروزی سوسیا لیسم و برقراری کمونیسم میبایستند و زنجیرا لکیت غومی سر دست و پا آن سنگینی نمیکند. مدافع را بخ - ترین دیکراسی میباشند.

آری طبقه کارگر از قیام میا موزد و خود را برای انقلاب پرشکوهر فدا تا دهمیکند، انقلابی که برای رسیدن به سوسیا لیسم اهری ضروری است.

تا نبودا زنده، اگر این ما شین باقی نماند، بطور حتمی متشکرات با نول به آن در لحظه مناسب خوا هند کوشید تا جنبش و انقلاب آنها چهرتند. در زمان قیام "هر ران" تا زنگار بطور مستقیم و ما شین با ارتش دست پرورده امیریا لیسم را در زمان توده ها تبلیغ می نمودند و با لاف و نوا نشتند با توقف قیام این ما شین غربت خورده را نجات بخشند و امروز می بینیم که چگونه همین ارتش در گزشتگان قتل عام میکند، برروا فح است که در زمان اوج گیری جنبش توده ها دریا به های ارتش یعنی سربازان به شدت تزلزل بوجود آمده و چه بسا سربازان بسیاری متعایل به جنبش میشوند. کمونیستها با پداین سربازان را به سمت انقلاب کشیده و صفوف دشمن را شدیداً متزلزل نما یند. روبرو نیستی برای سا زش طبقا تی خود تا سلب سربازان را به نافراده و "و میگویند که طبقه کارگر جنبش را به قهر مسلحانه دست زد، آنها عملا ما هیت طبقا تی ما شین سرکوب را پوشتا دند و میگویند تا آنرا از زیر ضربات انقلاب محظوظ نگا هدارند. حال آنکه کمونیستها خواها ن تا بودی ارتش بوده و به همین خاطر خلافت نظامی توده ها را علیه ما شین دولتی متشکرات میا زنده. اما روشن است که این امر بمعنای نفی کارمدا و مرد درون ارتش و جلب سربازان به انقلاب نخوا هد بود و سار روشن است که فقط زمانی که انقلاب به تعویض خود علیه ارتش دست میزند و فرماندهان موزورده متش خود را به ناپاشی عربا ن گذاشته و نه تنها دستور کشتن رتوده ها را میدهند بلکه عطا ن ارد درون ارتش نیز شتند به میماند به آری در چنین شرایطی است که تزلزل در صفوف ارتش گسترش مییابد. در همین رابطه است که لنین سا زش طلبان را به وورتونیستها تا ن که به نفی لزوم قهر انقلابی علیه ارتش میبرد ا خت را افشا کرده و میگفت: "ما با بدبا طیل و شیور لزوم تحو ف متشورانه و حمله سلاح بدست کارک فین آن به پدما مداران را نبودا خت و

بهردا زنده، در زمان تا غا شین زمانی که جنبش به قیام نزدیک میشد امیریا لیستی امیریکاتی و کمپرا دورها عقب نشینی نموده و در صدد بودند تا با سبیم کردن لیبرالها در قفسد رت جنبش را به ناپاشی اند. اما قدرت جنبش بحدی به بالا بود که این طرح توطئه گران خشی گردید بدنبال آن زمانی که فدا کردن تا و سلطنت لازم گردید بنا ن فدا شدند و ائتلافی جدید طبقا تی مطرح شد. این با غرور بورژوازی مره نشتی در ائتلاف با سرما به داران متوسط، کمپرا دورها و امیریا لیسم قرا رگرفت. این ائتلاف بود که توانست قیام را در نیمه راه متوقف سازد اما شین دولتی را ازنا بودی نجات دهد و از سقوط سیستم سرما به داری و استبداد سرتوگنی طبقه سرما به دار جلوه گیری نما یند. بنا بر این طبقه کارگر با پدیدانکه عقب نشینی های این جنبش فقط بغا ر حفظ سلطه سرما به و دستا و حکومتی است و به پیچیده نشیونان دخی گامی در راه های طبقه کارگر و رزمندگان باشد. بعنوان نمونه هیچ سید نخوا هد بود که درآ پنده زمانی که جنبش توده ها علیه رژیم جمهوری اسلامی به اوج خود رسید، رژیم کسم به چنین ائتلافی دست نزنند. شرکت دادن روبرو نیستی را خشی ما نند حزب توده و با فدا شین اکثریت و با شرکت دادن نیروهای نا پیگیری ما نند ما هین احتمالاتی است که با پدیدانها توجه نمود. طبقه کارگر با انکا به نیروی خود با وحدت مبارزاتی با دیگر افشا رزمکنش با بدسوی تصرف قدرت به پیش رود، و با بددرا ما قطع نمودن سلطه سرما به و حرکت کند.

ششمین درس - طی انقلاب با بدستگاه دولتی و با انکا به قهر توده ای تا نبودا خت، دولت بورژوازی با تمام ابزارهای سرکوبگری مدافع طبقه سرما به دادر بوده و هر سرکوب انقلاب توده ها ست. در هنگام انقلاب توده ای مسلح با پدما تمام انا این ما شین جنبش را

بقیه از صفحه ۳ طبقه کارگر...

و عدیت با طبقه کارگر و انقلاب توده ها، این نیروها مدافع طبقه سرما به دادر بوده و ما فلت آن تا نباشد، از موضع بورژوازی و فدا انقلابی بوده است. در سوسیا لیسم و کمونیست، نیروهای دیکرات و جریا تا ن ت شیدان تا پیگیر ما نند آیت الله خمینی قرا ردا شدند. هرگاه از این نیروها مدافع یک طبقه معین بوده و دارای درگاهای متفاو و ازا زای بوده اند، کمونیستها اگرچه بسیار ضعیف بودند، اما مسایع مدافع متافع پرولتاریا نبوده و هدفی را که از سرگونی رژیم و استبداد به نفع دولتی، نایودی رژیم سلطنتی و ما شین دولتی، سرتوگنی سیستم سرما به داری و استبداد به امیریا لیسم و طبقه سرما به دار را متشکرار جاکمیت توده ها به رهبری طبقه کارگر نبود. نیروهای دیکرات خواها ن سرتوگنی رژیم تا و استقرا و دیکراسی هرگز بورژوازی بودند و با لاف و جریانی ما نند خمینی طرفدار غرور بورژوازی مره نشتی بوده، متعایل به سا زش با بورژوازی متوسط و در میا زده علیه رژیم سرما به داری و استبداد، دشمنان تا پیگیر بود. ما فلت این نیرو به موص در عدیت بنا به سلطنت تبار و زمینا فلت، این نیرو وظیفه ما نند با ارتش را تبلیغ میکرد و ما فلت قهر مسلحانه توده ها بود. این نیرو در مقطع قیام به سا زش با تمام پندگان بورژوازی متوسط و امیریا لیسم دست زده و به اردو گاه انقلاب می پیوندند.

بدین ترتیب در هر انقلابی با پدیدید کد امیریا لیسم و رژیمها طبقه اجماعی حیایات میکند و علیرغم تبلیغات آنها با پد توجه کرد که آنها عملا با بداد رگدا طبقه کارگران کد امیریا لیسم میباشند. مثلا لیبرالها در گشتار طرفدار آزا زای مردم میباشند، اما در کد ردار طرفدار آزا زای سرما به داران هستند. بعد از قیام ما نند به پیگیری چگونه آنها سلطنت طلبان را پنا دهاده، موزد و بدشینی قرا ردا دند و چگونه سرما به داران را مهردا ختند تا کارغا نه های آنها به گردش فوودا دمه دهند. چگونه کارگران را سرکوب کردند و حکم اعدام کمونیستها را ادر نمودند، چگونه با امیریا لیستیا متنا سبب ات را حفظ کرده به یستن قرا ردا ده ای اسارت با رسی و محرمانه دست زدند و با آیت الله خمینی در گشتار طرفدار رهه ششفا ن بوده ولی در کد ردار طرفدار افشار مرفعا مع بود و بدیدیم که در قیام چگونه سا زش با سرما به داران پر داخت و کشتار و رگران، کمونیستها و انقلابیان را انکا را موزد و بدشینی خود قرا ردا د. و با لاف و کمونیستها چه در گشتار روچه در کد ردار، طرفدار طبقه کارگر بوده و از ساسی زحمتکنا ن ایران حمایت کرده اند، کمونیستها که پیگیری ترین مبارزین را آزا زای و استقلال میباشند، بعد از قیام نیز با تمام قوا برای رها تی طبقه کارگر به مبارزه خودا دمه ده اند، بنا بر این طبقه کارگر با پدیدانکه فقط کمونیستها طرفدار پرولتاریا میباشند، و از زمان قیام آنی و اتسی کارگران حمایت میکنند، خنیا کمونیستها هستند که میخوانند انقلاب را به سرانجام پیروز مند خود را همتا ش کنند. طبقه کارگر با پدیدانکه نیروهای نا پیگیر هرگز نمی - توانند جنبش را به پیروزی برسانند و نا شین به سوسیا لیسم یعنی روبرو نیستیهای مرتد نیز دشمنان طبقا تی پرولتاریا میباشند.

دومین درس - در دوران قیام زمانی که سقوط قدرت جاکم حتمی بنظر میرسد اما به داران میگویند تا با ائتلافی جدید طبقا تی نظامی تسلط را از مرز قطعی نجات بخشند. در واقع آن تا به عقب نشینی دست زده و امتیازاتی میدهند تا نیروی گسترده تری جمع نموده و از طریق آن به مقا بله با انقلاب قریب الوقوع



پیروزباد مبارزات دهقانان ممسنی

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

بقیه از صفحه ۱

قیام خونین ۲۲ بهمن آتشفشان خشم یک خلق بی‌خاسته!

از این پس صورت آشکارا تر و بی‌شک و روشنتری
و در عرصه نبرد طبقاتی می‌شود. در این شرایط
اگرچه کارگران دلاور ما فعلاً در جنبش حضور
دارند اما آن‌ها هنوز به سوسیالیسم علمی یعنی
تنها به دیکتاتوری رها نشی بخش مسلح نشده‌اند
و به همین خاطر مبارزات آن‌ها اما در درجه اول
جواب جنبش عام دمکراتیک مستحیل گردیده
است. از بعد از ۱۷ شهریور اعتصابات کارگری
همواره نقش بارزتری در تکان دادن جنبش پیدا
میکنند. این مبارزات نشان میداد که طبقه
کارگر نیروی اصلی تعمیق کننده مبارزات
خلق است. اعتصاب قهرمانانه و عظیم نفت-
گران جنوب خون تازه‌ای بود در پیچ جنبش
کارگران در نفت جنوب نشان دادند که:

"تمامی چرخهای می‌ایستند"

"آنها زمان تو خواهد آمد"

البته اینها هنوز هیچ کدام به مفهوم
مستقل کارگری محسوب نمی‌گردید. اما طبقه
کارگر نشان میداد که در راه انقلاب پیروزمند
تا چند قدمی فراتر از مبارزات می‌رود. طبقه

انقلابی وی عمل مستقیم خودش بود.
آزمون عظیم ۱۷ شهریور عملاً به خلق
آموخت که آزادی و پیروزی را کسی به‌کسی
دهد نمی‌دهد و آن را نمی‌توان ملتزمانه
تکدی کرد.
سرنوشت آزادی و پیروزی فقط و فقط در
میدان نبرد خونین تعیین می‌شود.

بوروکراسی عریض و طویل را بشدت ترس و
فشارترین وجهی بکار انداخت.
مردم در عصر ۱۶ شهریور این فشار
خواب‌نا را ترک کردند:

فردا صبح ۸ صبح میدان زاله (شهید)
در ۱۷ شهریور پس از گذشت یکسال
مبارزه و مقاومت و لایتنج جنبش در نخستین

مرحله خویش به نقطه اوج رسید. از صبح زود
حتی ساعتی قبل از ساعت ۸ توده‌های مردم
فوج فوج به میدان شهدا سرازیر می‌شدند.
در آن روز خلق عظیم، با عزمی پولادین،
گامی بزرگ در جهت نبرد نهایی بر میداشتند.
زیرا که میدانست:

روز قتل جلال است
آخرین رزم ما
.....

در مقابل صف خلق، ارتش فاشیستی، این
عمده‌ترین تکیه‌گاه نظامی، این گزده‌ست
امپریالیسم که "سفرموده خمینی
برادر ما است"، آن روز در ۱۷ شهریور فرموده
شاه جلادها را نافرمانان و فرزندانی این خلق
غیور را بگلوله‌بست و خون سرخشان را بر سر
کوچه‌ها با جاری شد.

۱۷ شهریور ۵۷ تنها از این جهت که خلق
زحمتکش در این روز قهرمانان را کشته و سرش
اعلی یورش برد و دشمن نیز مطابق با منطق
ارتجاعی خود وحشیگری و چنانچه را بعدا علی
رسانید، در تاریخ مبارزات طبقاتی میهن
ما ثبت شده است، بلکه اهمیت این روز
تاریخی بیشتر به لحاظ درسهای آموخته آن
میدانست. اهمیت این درسها را آن جهت‌گرا
است که حاصل تجربه مستقیم خلقی است که در
حساسترین لحظات حیاتی فاشیست را دید و رهبری
مجبور و انقلابی بوده و تنها مملکت را هیر و واقعا

اوجگیری جنبش توده مردم در سال ۵۷ - ۵۶
نشان داده‌اند. حدت سیاسی توده‌های طبقاتی
و ملی چه تا حدی نفوذ می‌یابد. نشاندهنده‌ای که
در نتیجه سالها مبارزه و نبرد فکری و سیاسی
و سازماندهی و تسلط کامل امپریالیسم و
استعمار و سرکشی بی حد و حصر و زحمتکش بر
روی هم انباشته شده و وضعیت اقتصاد و جامعه
ما را در قهقرای یک بحران، همه‌جا نیه‌فر و
برده‌بود، بحران ممکن تنها یکی از جلوه‌های
این بحران همه‌جا گیر و فرافکنده بود. اما یکی
از بارزترین و ملموس‌ترین جلوه‌های آن در
حقیقت بحران ممکن را به یکی از ابتدائی -
ترین نیازهای مردم تبدیل کرده بود.

این چنین بود که در آن وقت باستان ۵۶
حاشیه نشینان "خارج از محدوده" "بهر مسئله
ممكن بحركت درآمد و سرازار جنبش عظیمی
شدند که قریب یکسال و نیم بعد از آن بساط
ننگین رژیم و سلطنت را به زلزلان در تاریخ
فرستاد.

در پی آمدن همین مبارزات دلیرانه
مردم خارج از محدوده بود که آتش قیامهای
توده‌ای در قم و سپس در تبریز و متعاقب آن در
۱۳ شهریور گران ایران برافروخته شد.
شهریور ۱۳۵۷ فرا میرسد، جنبش دیگری
سراسری شده است. وضعیت انقلابی سریع در
حال تکوین می‌باشد. در بالا در صف ارتجاع
حاکم کابینه‌ها در حال تغییر هستند. بهره -
های ارتجاع در مجلسین و خارج آن سخت در هم
آشفته و در مقابل هم قرار می‌گیرند. ارتش
شاهنشاهی، این گزده‌ست امپریالیسم نیز به
اقتضای پیوستگی درونی در حال شکافیده -
داشتن است. توده‌های مردم دیگر خوار و
نیستند رژیم سلطنت را تحمل کنند و به تدریج
مطمئن می‌گردند که سلطنت را بر آن‌ها کمر بسته -
انداخته و سبائی زندگی نوین را بی ریزند.

شمی از شهریور ماه گذشته بود. خون در
رگ خلق می‌جوشید. در روزها نهم توده‌های
خلق نظایرات عظیمی در تهران برگزار نمودند
در این روزها آن هزاران نفر از خلق زحمتکش
در خیابانهای تهران اراده‌آهنگین خود را
برای تغییر سیستم موجود، به معرض نما پیش
گذاشته بودند. نظایرات ۱۶ شهریور آنچنان بهر
هیبت و ولایت بود، آنچنان نما شکوفا را ده
پولادین خلق بود که تا اتمام استخوان لیزه
بر اندام رژیم افتاد و تا دستگاها را سر -
کوبگر خویش را زان و زان و پلش و ما و اگر فرشته‌ها



رژیم شاه مزدور در ۱۷ شهریور توده‌ها را به خون کشید. اما خون آنها قیام ۲۲ بهمن را شکوفا ساخت

کارگران با طبیعت و پیگیری خود به حرکت
مجموعه خلق توان و ولایت بیشتری می‌بخشید.
در این دوره است که جنبش بیش از پیش -
را دیکتاتور می‌شود. سرنگونی رژیم سلطنتی در
دستور کار توده‌ها قرار می‌گیرد. شعار "مرکز
این حکومت پهلوی" به رایج ترین شعار
تبدیل می‌شود. این شعار در واقع بیان تمامی
خواستهای یک خلق بود. توده‌های مستعبد
با بیان این شعار را به بودی سیستمی را مدنظر
داشتند که امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران خون
- خوار آن را به امارت در آورده بودند.
اگرچه به سبب ضعف عنصر آگاه توده‌ها نسبت به
اهداف انقلاب دیدگاه روشنی نداشتند اما
این شعار برای توده‌ها سمبول استقلال و
آزادی واقعی بود.

از بعد از ۱۷ شهریور دیکتاتور امپریالیستی
- گری بیش از پیش در میان کارگران و توده -
های زحمتکش تقویت می‌شود. اما به همان اندازه
سازگاری و غیبت در میان دوستان دروغین
خلق یعنی بورژوازی لیبرال را بیشتر جنبه
عملی بخود می‌گیرد.

رژیم فاشیستی شاه فرمان را با نشان
در پنهان گون یک قدم در مقابل جنبش عظیم خلق
عقب نشسته بود و در اثنای شهریور کار بهینه
شریف اما می را تحت عنوان دروغین "کشتی
ملی" بر سر کار آورد. ترکیب این کابینه

آزمون ۱۷ شهریور به خلق آموخت که
قهرمانان نه‌تنها خون غم‌خنده‌نا پذیر می‌ارزد
طبقه‌ای است. خلق ما صحت این گفته‌ها را کس
را با ردیگریه ثابت رساند که:

"سلحه انتقاد، البته نمی‌تواند جایگزین
انتقاد دوساله" سلحه گردد."

آزمون ۱۷ شهریور به خلق آموخت که برای
رسیدن به آزادی و پیروزی، از سختی‌ها نباید
هراسید. مرگ را نباید آنقدر حقیر شمرد که
بزرگترین وحشیگریهای ارتجاع تنها خودی
را به وحشت اندازد.
ایشان همه درسهای بود که خلق بسو ن
آموختن و تجربه کردن آن در ۱۷ شهریور نمی -
توانست در ۲۲ بهمن آنها را بکار نیندازد.
درسها و آموزشهای ۱۷ شهریور تا اثبات
مستقیم آن برجسته توده‌ها آنقدر پرا اهمیت
بود که از آن پس جنبش عملاً وارد به مرحله
جدیدی از سر تکاملی خود گردید. مرحله‌ای که
موقعیت انقلابی برای قیام مسلحانه، برای
انقلاب توده‌ای فرا رسیده بود. از آن پس
اوضاع شدیداً به نفع انقلاب تکامل یافت.

**پیگیری طبقه کارگر و
خیانت بورژوازی لیبرال**

طبقه کارگران این آشتی نا پذیر -
ترین دشمن امپریالیسم و ارتجاع داخلی



توده‌های انقلابی خود را برای ۱۷ شهریور مجهز می‌کنند

تجربه قیام ۲۲ بهمن، نشانگر ضرورت رهبری طبقه کارگر در مبارزات دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلق‌هاست

ابتدا طرحی پیشنهاد می‌شود مبنی بر تشکیل دولتی به مدارت مدیعی یعنی کسی که درگاه بیسته مدق نیز شرکت داشت و نماینده به اصطلاح بورژوازی ملی به حساب می‌آمد. اما چنین طرحی و عقب نشینی‌های قبل از آنکه اصولا وعلا جدی گرفته شود، از جانب



زنده باد طبقه کارگران : کارگران صنعت نفت

در جریان امضای تاریخچه خود، امضایاتی که رژیم شاه را فلج کرد.

بورژوازی ایران به اعتبار شرکت اجتماعی اش بلافاصله در مقابل این سازش غفلت با ربه عثوه‌گری پرداخت و دکتور گریسپا بیسی در مقابل دولت شریف اما می اعلام نمود: «علا لقا از اظها و عقیده معذورم زیرا تنها برنا به دولت جدید اعلام نشده نمی‌توانم اظها و خوش بینی کنم با اظها و بدبینی.. اگر دولت بخواد همدا کرده کند ما حاضریم. دریا و دولت گذشته نیز نمی توانیم فعلا نظری بدهم» (کلیان پنج شهریور ۵۷)

سازش امپریالیسم و لیبرالهای خائن

امپریالیسم آمریکا از مدت‌ها پیش برای تصمیم گیری نهایی هایت برسی «جرج بال» را به ایران فرستاده بود، تمام بررسها و تحقیقات گروه جرج بال و استیو جانچ به اصطلاح لیبیرال آمریکا و رزبایی ژنرال هوپزرا از ارتش ایران که طی اقامتش در ایران صورت گرفت، تا ظریبان بود که حفظ میست یک پارچی ارتش با توجه به جاد بودن شرایط جزا کنا رگذاشتن شاه و سیردن وظایف مربوط به شورای سلطنت، امکان پذیر نیست. در کنفرانس گوا دولوپ که به منظور بررسی وضعیت ایران و تصمیم گیری نهایی با شرکت چهار کشور آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه تشکیل گردید، طرح جرج بال یعنی کنا رگذاشتن شاه و حمایت از شورای سلطنت و دولت بختنا ریدیرفته شد. ۲۶ دیماه، شاه این تنگن ترین عنصر سلطنت، این جلادی ۲۷ سال دشتنا مغرب به خون هزاران شهید فهرما ۹ غشکه بود، به حرکت فهرما سها و مبارزات نورو آفرین مردم چمنکن سهنما از ایران فرار کرد.



مبارزات توده ها شاه چنانکار را پس از سالها خجالت فراری داد

میما بست بورژوازی لیبیرال و روحانیون وابسته ما تندتر به متداری و نما پندگان کمتر آبرویا خسته بورژوازی کمپرا دورا حول محور سلطنت محدود شده، متحد ساخته و غرده بورژوازی سنتی را به سکوت تا شید میزبکنا شد

نقش مغزی خود را اینکه مضمون حرکت توده ها در جهت نهاد سپتسم کامعق با بدجلو گیری کرد و کوشید با خلاصه کردن مبارزات خلق در مسئله شخصی شاه و سلطنت مبارزات توده ها را در حد فرمودت به دست شدن قدرت محدود نماید... آنجا که توده ها قریبا دالسه و جنگی مسلحانه میزدند یعنی میگفت وقت جهاد نرسیده و متزلی خرین چهره روحا نیت، آیت الله لقا تانی «صلاح مظلومیت را برای توده ها تجویز میگرد، آنجا که با لایحه در ۲۲ بهمن توده ها االسه برکف گرفته با زهمین آیت الله لقا تانی آن را «دانه ای که از سوی برخی مشولان جز برای ایجاد اختلاف و برادر کشی در میان ارتش طرح ریزی شده

است «خواندو فرمان داد که «طرفین درگیری دست از دست بردارند و به سربازخانه ها بر گردند» (ا اعلامیه آیت... لقا تانی ۲۲ بهمن) گایر جابدان شاهنشاهی توده های مردم هافران دلبررا قتل عام میکند، آیت الله لقا تانی آن را «برادر کشی و اختلاف می» نامد و مقرر هم مشولان جز «یعنی هافران میثوند و نه سرودا دویدرای و امثالهم. در بحبوحه قیام که خلق هایتش را مدتها است آغاز کرده و با برادر کشی و دشمن را یکس پس از دیگری تسخیر میکند، آیت الله خمینی ۲۱ دی بهمن اعلامیه ما در میکنده:

«هنوز دستورها مقدس ندادند اما و نیز ما یلم تا ما لمت حفظ و قفا با موافق آرای ملت (درواقع موافق روندهای بهشتی و با زرگان و هوپز) و موازین قانونی خل خود...

اغلطار میکنده اگر دست از این برادر کشی برندارند و لشکرگرا ریدیه محل خود سرب گردند و طرف فلما مات ارتش از پس تشدایات جلوه گیری نشود تصمیم آخر را ما میدادیم میگرد»

خلق مسلح می اعتبار به این آشتی طلبی ها و سازشکاریها، طبقه معاصره کار را تکتند و در پی انهدا مکامل آست، اما خمینی میگوید هنوز دستورها نداده اند و دولتسمانه از سران لشکرگرا دمی خواهد که به محل خود بازگردند.

احتیاج به توضیح نیست، خمینی مدافع رادیکال لیسم جنبش توده ها نیست، بلکه به تزلزلات شدید خود به سازش بورژوازی لیبیرال و امپریالیسم فتوا داده و توده ها را انیز به متا بهمت از آن فرا میخواند. ست گیری اعلی خمینی درست آنجا معلوم میگرد که با فرمان نخست وزیر با زرگان زهری قدرت سیاسی را به دست بورژوازی میسپارد.

آری اینهاست معیار رفتار و در جنبش که طبقه کارگر نقش رهبری توده ها را ندارد، در جنبش که کمونیستها حضور فعال و هاداست کشته اند و رند و رهبری و سازمانده بدست لیبیرالها می مثل سنجایی و با زرگان افتاده است، در جنبش که با رکیست-لنینیستها به سبب ضعف خود نتوانسته اند تسکان هاداست آت را به عهده بگیرند و افرا دندید متزلزلای چون آیت الله خمینی دارای نفوذ گسترده ای میباشند، آری در چنین شرایطی، جنبش نمی تواند ندیده سرا همپروند شدنش تا ثل آید.

روژنا مه ها در درشتترین بختنوشتنه: «شاه رفت» مردم با یکبار در همه جا فریاد برآوردند: «جلاد رفت» مردم بزرگترین دست آورد پیش از یکسال مبارزه خویشا نشان را با تمام وجود صحر میگردند و به یکدیگر تبریک میفکنند، با فرا شاه عملا عمارت بکتبار دو هزار و پانصد ساله یعنی سلطنت بدورا نداخته شد، و از گونی تخت شاه قبل از هر چیز نتیجه آگاهی و عمل توده ها میباشند و هادوا نظور که ما رکن گفت:

«قدرت ما دی با بدیه همان صورت توسط قدرت ما دی درهم شکسته شود. ولی نشوری هه به محض اینکه از طرف توده ها درک شد، به نیروی ما دی تبدیل میشود». پس این قدرت و اراده کارگران و توده های خلق بود که شاه را فراری داد و سلطنتش را برچید و نه قدرتی آسمانی!

اگرچه توده های مردم در این دوران علی العموم مبارزات و دلاوریهای خود را در تحت لواء مذهب انجام میدهند، اما درست بر خلاف عواقر فیهی بورژوازی و خسرده بورژوازی مذهب و انگیزه های مذهبی محرک این مبارزات نمی باشد. اصولا این مذهب نیست که چیزی برای عرضه کردن دارد، بلکه این کارگران و توده ها هستند که به علت فقدان آگاهی طبقاتی و دور افتادگی از پیشوایان و سوسیالیستی و انقلابی از پیشوایان ایدئولوژیک - فکری مذهب برای پیشبرد مبارزات خود استفاده میکنند و هر چه میازود توده ها به لحاظ آخرین جدال نزدیکتر میشود، این پیشوایان ایدئولوژیک - فکری مذهب خود به خود ما نمی دروا به پیشرفت انقلاب تبدیل میشوند، مثلا خمینی در حالیکه بواسط گرایش طبقاتی و تحت تاثیر طبقاتی مبارزاتی توده ها از یک سو مجبور است خطاب به شاه بگوید: «توبه تودر پیش مردم پذیرفته نیست... ما نمی توانیم توبه تورا بپذیریم توبه گرگ مرگ است» اما از سوی دیگر حکم میکند که بگوید: «آیت الله اگر توبه حقیقی بکنی و ما را مرد مرده را بدشتان برگردانی و همه چنانا را راجبران نمایی، ممکن است خدا وند بزرگ توبه تورا بپذیرد، اما ما ملت نمی پذیرد» (نطق خمینی در ۵۷/۲/۱۳)

آنچه روحا نیت خوانده میشود طیف نسا هگونگی است که افراد آن از نظر طبقه و زندگی، سطح درآمد، طرز تفکر و خواسته های اجتماعی اش کامی از افتار و طبقات مختلف جامعه میباشند. با شنن سرس بخش روحانیت با توده خرد بورژوازی فقر قابل قیاس بوده و نیز منافع سازا قشار اجتماع را قبیل خرد بورژوازی مرفه، بورژوازی متوسط و بورژوازی بزرگ کمپرا دور در طیف روحا نیت شمنکن است. رهبری روحا نیت همان مراجع تقلید میباشند که به حرکت در بافت همایم کلان بیشتر با اقتا و مرفه و بالائی جامعه نزدیک دارند. چنین طیف نا هگونگی، به توجیه زمینه فکری مذهبی در میان مردم خود را به متا به تشکیلات اعلی جنبش بر توده ها تحمیل نموده بود.

همچنان که یک رهبری کمونیستی و هم ریشه های هزار و پانصد ساله مذهب در اعتقاد توده ها موجب گردید که جنبش توده ها به رنگ مذهب درآید، معمولا آنجا که طبقه کارگر و توده ها از آگاهی طبقاتی و ایدئولوژی سوسیالیستی و انقلابی بی دورا شده، مبارزات حق طلبانه خود را در پوشش مذهب انجام می دهند، بهینا بر این نیروی محرکه جنبش توده ها نه مذهب بلکه نشا دهای طبقاتی است. روحا نیت قبل از قیام نقش پیشرونده داشت، روحا نیت در شا م طول جنبش به اعتسار

توده ها فریاد میزدند: "رهبران ما را مسلح کنید! ما..."

از ۲۶ دیماه تا ۲۲ بهمن ماه در تاریخ کمتر از یکماه است، اما سیر حوادث ایران در این مدت کوتاه بقدری بزرگ بوده که شاید سیرتغییرات طی ده سال قابل قیاس باشد. در این مدت یعنی از فرار شاه از تهران و سرنگونی تخت شاهی، همدرف خلق و همدرف ارتجاع و قیام براهیمنی رخ داد.

کارگران، زمینکنان و سایر اقشار خلقی پس از بیرون راندن شاهنشاهی پادشاهی و سرنگونی مملکتی غریبی بر بدست و با بودی کا مل سلطنتی را طلب می نمودند و توده های مردم بویژه کارگران و سایر زمینکنان بطور عینی درازین - بدست سلطنت، با سودی سرما به داری وابسته و سلطه امیر با لیس را جستجو میکردند، شعبار "پیروزی نهائی" - اخراج آمریکا "بش" - از پیش به شاه را بیج تبدیل میشود، اگر چه این شاه را ز نظر مضمون هنوز کامل نیست و خواستهای مشترک حداقل کارگران و سایر زمینکنان و اقشار خلقی را منعکس نمیکند، اما نشان دهنده تست که خلق ما به اخراج شاه به تنهایی رضا نخواهد داد، طبقه کارگر و توده ها در دست برخلاف "رهبران" بهیچ روی خواهان توقف در نیمه راه نمیدانند، طبقه کارگر و توده ها نا میخواستند، ممکن میخواستند آزادی و دیمکراسی و استقلال میخواستند، طبقه کارگر و توده ها بهداشت، تحصیل و آموزش، وضعیت زندگی بهتر، تامین کار و لوازم ضروری، یک زندگی بدون بیماری و مرگ، بهیک زندگی، امید به یک زندگی نوین میخواستند و برای این همه توده ها احتیاج به حاکمیت بر سر توده ها و خویش داشتند، توده ها در این راه آماده هر نوع جانفانی و فداکاری بودند، توده ها پیش از پیش و نا حدی بصورت انکسای در مقابل سرکوب مسلحانه رژیم به ضرورت جنگ مسلحانه متذکره، عالیه ترین شکل مبارزه میبزرگند، شعار "تنها رهرا هستی - جنگ مسلحانه" به با بجز این شعار تبدیل شده بود، جنبش عظیم کارگران و سایر توده ها، محروم از رهبری کشته شده انقلابی یعنی حزب راستین طبقه کارگر، همچنان با کامیابی استوار به پیش میرفت.

از اول بهمن ماه جنبش با زهم اوج فزون - تری گرفت، توده ها دیگر کاملاً در خیال شورش بودند، در مقابل دولت بختیاری دست به سرکوب و وحشیانه زد، در ۷ بهمن ماه تظاهرات شکل مارش بخود گرفت، در ۸ بهمن ماه در خیال - که رهبران در گوش خلق موعظه میکردند: "ارتش برادران ماست" و گفتوا میدادند: "انتظار از عموم مردم مسلمان ایران آنست که نسبت به عموم گسائی که در ارتش خدمت میکنند کاملاً مهربانی و محبت و برادری روا دارند... آنان را حق برگردن ملت است" (آیت الله روحانی) ارتش بدستور بختیاری بر روی تظاهرات کشته شد - کارگزاران تشکلات و تظاهرات در جلوسا تنگامنا بر نوشته اطلاعات ۵۷/۱۱/۹: "آقایان مات خونست - با رنسان میان مستقر در ستاد ارتش در رسی ۷۰ کشته و ۵۰۰ محروم بجای نهاده - توده ها دیگر کاملاً از آگاه شده بودند و در همه جا فریاد میزدند: "رهبران، رهبران ما را مسلح کنید".

اما رهبران تا رهبر پیش از آنکه بفکر مسلح کردن توده ها شوند، در فکر انجام هر چه سریعتر سازش تاریخی خود با امیر با لیس بودند، حتی رهبری خرده بورژوازی مرفه - سنتی هم که بر سر برخی مواقع مثل مسئله سلطنت تا جمعیتی قاطب از خود نشان

داد و بود، بانک باندهای توغالی از قبیل "حرف آخر" و "همدرد" و "هنوز فرمان" و "مهاد" و "علا" بصورت سدوما نمی در مقابل او جگری جنبش توده ها قرار گرفته بود و بویژه جاده های قدرت با بی بورژوازی لیبرال ارتجاعی تبدیل شده بود.



ببینید چگونه ارتش مزدور شاهنشاهی بسوی خلق ما شلیک میکند! امام در همین زمان آیت الله خمینی می گفت: "ارتش برادران ماست!"

بعد از فرار شاه در ۲۶ دیماه در اوگاه دشمن اصلی شکار با زهم عمیقتر میگردد و سلطنت داری بدست لیبرال خا شتی بنام شاپور بختیاری می افتد، ارتش این تکیه گاه اصلی حکومت شکار با به دو جناح تقسیم میگردد جناح سرکوب طرفدار حفظ سلطنت کارگزاران سرکوب گویند ارتجاع هنوز عبرت نگرفته بود و جناحی که ادا مه حیات را در گرو سازش و امتیاز دادن و قربانی کردن سلطنت میدید، فاشیستی منفوری چون خسرو دوشاط و بدزای و جعفریان عریه میکشیدند که وظیفه مافوق حفظ تاج و تخت است "در مقابل، قره - باغی این سک دیروزی شاه که در کاپیتان شریف امامی و از هاری نقش بسیار مهمی در کشتار خلق داشت، او بانک در مقابل ستاد قرار گرفته و موظف است که به عنوان خرمنهره انتقال مسالمت آمیز قدرت ادا وظیفه نماید، قره باغی به جناح دیگر تکیه میزند که کودتا در ارتش با قدرت سرکوب خواهد شد.

در همین زمان است که ژنرال هویز برای جلوگیری از تشنج و درگیری بین این جناحها اعمالی از قبیل کودتا که امیر با لیس امریکا را وارد جنگی بنما بدک موجب تشدید مبارزه طبقاتی گردیده ایران، دولت بختیاری ژنرال هویز، قره باغی، شریعتمداری ها سنجایی ها، بازگشتها، بهشتی ها، رستمجانی - ها و سپس پس از ورود خمینی، یعنی حدود یک همران با شما منبر و نواختن دانه که هر چه سریعتر جنبش عظیم توده های محروم با برهنه را در مسلح سازش، و تقسیم غنا به قربانی کنند "سران" جنبش و سران خدمت مشرب در حال مذاکره و جراحی هستند، بختیاری را در باها اعلام نموده با مهندس بازرگان در حال مذاکره و مشا و به بود و در اکثر موا دین را قی نظر بوده است، بازرگان هم هیچ گاه با این اظهارات بختیاری انکسب نکرد، با توافقی خمینی بهشتی، این سرکرده باند تکیه کاران حزب جمهوری و رئیس کنونی دیوان عالی کنونی با ژنرال هویز این کار را قی کن بختیاری بر سرمایه جنبش و منافع خلق به زد و بستن پرداخته و طبق اسنادی که بانک از جاسوخته آمریکا بدست آمده بهشتی نه تنها در زمان برای متوقف کردن جنبش با هویز زد و بستن نمود و نه تنها ارکان دیند برای انکسب سلطنت

فدکودتا ندارد و فرماندهان آن "جزئی از ملت" میباشند.

ژنرال هویز قیلا گفته بود: "وقتی که واشنگتن از حمایت تا و بختیاری دست بردارد همه عدا و تشا نسبت به آمریکا از میان خواهد رفت" و بر اساس این طرح سازش با لیبرالها را تحقق می بخشد و عدا شتی از خمینی می - گیرد و سپس راهی پشنا گون میگردد، بدین - ترتیب بود که توطئه علیه جنبش دلیرا نه خلق - های ایران طرح ریزی میشود و در شرایط فقدان حزب کمونیست ایران قیام مدرن به راه متوقف میگردد.

آری جنبش که استوار به پیش آمده بود و هزاران هزار شهید قهرمان در راه پیروزی آن فدای کار می نمودند تا پرچم سرخ آتش پیروزی را به فرا زنده با خیاالت های بیشمار لیبرالها و سازش خرده بورژوازی مرفه سنتی نخواست قیام برادران ما را سبک سازد.

البته علیرغم توطئه ها، خیاالتها و سازشها جنبش به پیش روی خود ادامه داد اما امیر با لیس لیبرالها و آیت الله خمینی نمی خواستند توده ها مسلح شوند و به تشا انقلابی و مسلحانه دست بزنند، آنان نمی خواستند به تشا رشتی شاهنشاهی و دیگر تشا های سرکوب شریعتی را وارد آید، آنان میخواستند انتقال قدرت بطور مسالمت آمیز به پیش رود، اما جنبش توفنده خلقهای ایران این معا سبه فدا غلای را برهم زد و بوسی قیام ۲۲ بهمن سنگینی نمود



دولت موقت که محمول بازرگانها، بهشتی ها و هویز برای انکسب بود تشکیل میشود

روزهای قیام بهمن و سقوط رژیم سلطنتی شاه خا ش

۱۹ بهمن ۵۷ فرامیرسد، موج تظاهرات تهران و وسیعای از شهرهای بزرگ را فرا گرفته است، روحیه عیان و شورش شامی خلق را در خود فرو برده است، همه چیز سرعت در حال تغییر است، مردم در همه جا سقوط دولت بختیاری، این توطئه جدید امیر با لیس میکشند، مردم شمیم نهائی را گرفته اند، ترس از مرگ تنها ساجای خود را به استقبال از مرگ داده است، سرگ بیش از هر چیز در ذهن توده ها حقیقت شده است، توده ها خود را در یک قدمی پیروزی می بینند و برای رسیدن به آن اسلحه میخواستند.

"رهبران، رهبران ما را مسلح کنید" در ذهن مردم جا تا میبکشد، بدست آوردن اسلحه سؤالی که بر لبان همگان نقش بسته بود، با

خمینی در سبانه ۱۷ دیماه خود میگوید: "مردم ایران به ارتش احتیاج دارند و به آن احترام میگذارند... ما به ارتش و به آن امرای که درست عمل کرده اند احترام میگذاریم." جریان حاکم که انکسای از نا بیگری طبقاتی - اش بود میگوید: "تا بحال جلومردم را گرفته - امیر با لیسها گفته با سلاح مظلومیت - صا پیش از رگوش دنیا برسانند، مردم کشته دادند و بی یک گلوله بسوی ارتش ها خا لسی نکردند."

لیبرالهای خا شتی چون سنجایی گفته بود: "ارتش عنصر ملی ایران است و به این عنوان با بد مورد احترام ملت ایران باشد." و با لاف به بازرگان خا شتی بدستور بختیاری از ارتش آمریکا شتی مطرح ساخته بود: "پس ایوقت شاه و قوای شاه که امیر با لیس بویژه ارتش قره باغی داده اند نمیتوان گفت که ارتش

افروخته شدن آن کافی است.
پوروزی و خرده پوروزی مرفه، اینک
بزرگترین سدرای قبا شده اند و نولدا توده های



خلق ماکشته داد تابه پیروزی برسد، اما نا رهبران با خیانت خود قبا پر از نیمه راه متوقف ساختند.

جمعه بیستم بهمن: دیگر طبقان، عمیان و روحیه قبا سراسر وجود توده ها را فرا گرفته است. دیگر هیچ چیزی نمیتواند آنها را از حرکت جلویا زده رد. آنان برای کسب آزادی و پیروزی مصمم اند:



پیام قیام بهمن: تنها به زور سلاح می توان دشمن را شکست

"برخی را داغ لعنت خورده
دنیا ی فقر و بندگانگی
.....
بر ما نیندخت و شادی
خدا، نه قهرمان
با دست خود گیریم آزادی
در پیکارهای بی امان
....."

روز قطعی جدال است آخرین رزم ما

توده های خلق و همدوش آنان کمونیستها
و انقلابیون دیگر را ملا برای "روز قطعی جدال"
آماده شده اند.
در مقابل، نا رهبران جنش هنوز مکارانه
سعی دارند توده های عامی را میا رکنند و این
آخرین رزم ما را با زهم عقب بیندا زند. زیرا
که آنان قول انتقال مسا لمت آمیز قدرت را
به پوروزی آمریکا می دادند. اما خلق همچون
انسان با روشی است که تنها یک جرقه بسرای

داری شما بندگان را ستاد رفیع
مجا مراه کنند. ... نگذارند غلامان و
بدخواهان با بیفرمان غارت و مزارعتی
فرا هم آورند.

با زرگان این لیسرا ل خاش قیام
سلحانه خلق را "خرا بکاری"، "تش سوزی"
و غیره میخواند و مردم مسلح و نیروهای انقلابی
را "غلامگرو" "بدخواه" "وسی خرد" معرفی می -
شاید، آری آقای بازرگان با این سخنان
رذیلانه خود ثابت میکنند که وی با امرای ارش
آمریکائی همراهی نزدیک تر است تا به توده
مردمی که برای کسب آزادی، دمکراسی و

استقلال سلاح برفک گرفته اند
حجت الاسلام قدوسی که اینک بر تخت داد -
ستانی کل انقلاب لمیده است، در همان ایام
اولیه قبا مردی بیدار میگوید: مردم را از پیش -
روی مسلح شدن با زور و دغلا ب به مردم می -
گفت:

"با توجه به نزدیک شدن ساعت منع عبور
- و مرور، بهتر است جمعیت متفرق شوند
(اطلاعات ۲۱ بهمن)

آری در همان زمان که تش قبا مسلحانه
زبان میگوشت و نا رهبران جنش با تمام قسا
میگوشتند تا آتش را خاموش سازند، انسان
میگوشتند تا مردم مسلح را خلق سلاح نموده و
با دگانها را از معرض خلق در امان نگه دارند
با توافق نا رهبران، افراد مزدوری چون
سر هنج توکلی خاشا نه و رذیلانه با تشکیلات
تصادف عملیات انقلاب "جلوی دره های
پاد گانها مردم را خلق میگرد و کتس -
بزدی در حاسر ترین لحظات مولسوان و دیگر
کارگران و سفارت آمریکا را از چنگ
انقلابیون نجات میبخشد. همین مختصری
نشان میدهد که چگونه مردم و نیروهای کمونیست
و انقلابی برای این قبا مجا نفشانی کردند و
چگونه نا رهبران با خیانت خود با تمام قوا و
برای انقلاب ایستادگی نمودند. در چنین
مقطع تاریخی این نا رهبران نشان دادند
که در برابر انقلاب یا دشمنان دیرین خلق
ما همسر نشت می باشند.

قیام بهمن ما را تشفشان خشمک خلق
بپا خاسته بود. قبا بهمن ما را سرود مسلسله
و تفنگ ها پیش بیان اراده خلقی بود که در راه
آزادی و استقلال بپا خاسته است. لیکن این
قیام بهمن را نجا هم پیروز مندش نشد. چرا که
بقیه در صفحه ۱۸



بد روزهای قیام گروه های مسلح مردم به پاسوس خانه آمریکا هجوم می برند و
"سولیان" جنایتکار را دستگیر میکنند. اما رژیم جمهوری اسلامی او را نجات می دهد.

پیکار دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای قهرمان ایران تا محو سلطه امپریالیسم و نابودی ارتجاع داخلی

ادامه دارد ...

در آستانه دومین سالگرد قیام خونین بهمن ماه

در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی چه میگذرد؟

پیام زندانیان سیاسی اوین
بمناسبت دومین سالگرد قیام بهمن

انقلابیون همچنان اسیرند، اما جاسوسان آمریکایی آزادند. پیروزباده مبارزات دلاورانه خلق قهرمان کرد. زندانی سیاسی انقلابی، به همت خود، ها، از زندان ارتجاع آزاد می‌گردد؛ از فانی هر چه بیشتر، گنجینه در زندانهای رژیم مأموری اسلامی بگوئیم بدهای ارزندانی سیاسی زندان عبدالعاشق را. بخشش از زمان بیکار دورا، آزادی، لشکرکارگر ۵۹۱۱/۱۵

زندانی سیاسی انقلابی ، به همت توده آزاد باید گردد

حزب توده همه سران لیبرالها را انقلابی، ضد امپریالیست و ملی حامی زده است

“دراين کشور قوانيني ما ننديداون اساي
 نيمېنځ د وېک سلسله قوانيني موجود ده، د وېک
 نړيا مراعات روح او فني آنها، اجرا ميشود و
 نړيا، د اجرا کوډچترين اخترا بوعرايتي اساي آنها
 موجود نشت او شاع يا ندي سا زمان خودسرفا نون
 شين وعا برانه وديشري سا واکي نطفاي
 برسيمونا نديتعامل گردد، (اکر قوانين موجود
 را عا ت کړد، دست خودسروا نديدا ندي خودسروا
 نديست، وليمي قوانين موجود بيا گستاخي
 سي پروا ندي عيني بيا مال کچمه بويا ن شاع
 کړي نيمېنځ (۴) (نکايديا زمات).
 کړي نيمېنځ وعا شين خودسروا ندي شاع وېک سلسله

می بینیم که حزب خاشن توده در مشروطیه .

[illegible]

● حزب توده در نهمین شماره ۲۸، (۲۱ آرد بهیشت ۵۷) آیت الله هریمتداری، آیت الله گلپایگانی و آیت الله روحانی را طاعی و آزاد بخوار و ضد استبداد مینامد و مدعی لبرال غائبی چون هریمتداری میبردازد. حزب توده و تاخت را «انجمنی» میگوید که نامه احمد بنی احمد، شاکری شاه خائن و نماینده «سپاسی» مجلس شاهنشاهی را با طول و تفصیل و تأکید چاپ می کند.

۳) پارسی‌گویی سلطنت استبدادی شاه حتمی
به پادشاه برانداختن سلطنت پهلوی همراه
پادشاه می‌نظرمانه حتی از بین رفتن حکومت
سلطنت و رژیم ضرر و آفتنا موجب می‌شود که هنوز
به معنی از بین رفتن سلطنت و استقرار جمهوری
نخواهد بود خواه استای مردم حزب ما است **نیا شد** (د)
(تکبیر استای .)

[illegible]

۴- دنیا شمارہ ۹، ۱۳۵۷
۵- دنیا، مہر، ۱۳۵۳ و نیز بسوی حزب شمارہ ۱۳۵۷، ۱۰
۶- بسوی حزب شمارہ ۱۱، تابستان، ۵۷

ما در اینجا تنها به چند سندی برای نشان دادن
چاپلوسی حزب توده نسبت به لیبرال‌ها و دریدن
نقاب دورغین ضد «لیبرال‌ها» و زهره پلیدشان
در ارتباط با میزان صفحات معدودی که داریم
تنها به چند شعار و توبه رجوع می‌کنیم.

۱- درویش‌نواره ۲۵، ۲۶ فروردین ۵۷) در مقاله «تورویسم دولتی» حکومت شکست «فاشین توده‌ای»، «مهندس مهدی بازرگان»، «کرم‌بخت‌های» و «رحمت‌الله مقدم‌مراغه‌ای» را «مازبان راه‌آزادی»، «گوشندگان راه‌آزادی» و «استقلال»، «شخصیت‌های مغرور ملی» و مخالف «استبداد» میخواند.

۲- حزب توده در خارج از کشور بنا به علی‌اصغر حاج سیدجوادی نه "علیخبرت‌ها بونی" را از "رادیکال‌های ایران" بخش می‌کند و پس از انتشار نوبت‌نیز همواره به انکسار اعلامیه‌های گمنامه‌هاشی چون دفاع از حقوق بشر و... که توسط لیبرال‌ها ایجاد شده بود در نشریات خود دست می‌زند.

۳- حزب توده در نویدشماره ۲۸ (۲۱ اردیبهشت ۵۷) آیت الله شریعتی را، آیت الله گلپایگانی و آیت الله روحانی را علماي آزادخواه و قسداستبدادی مینامد و مدعی لبرال خائنی چون شریعتی را می بردارد. حزب توده وقاحت را تا آنجا میگذارد که نامه احمدیني احمد - ثناء -

مسلل وارد محنت شد... فقای حرم هر
شیماں جهان از این حادثه دستخوش غرابی
رفت آوری میگردد... تنجا وز به حرم و کانون
مربع روحا نیت... موجب گواهی شد به مردم
آزادگی غنی... طر حضرت آیت الله العظمی
افرا هم کرده است... به جا ست که از زبان آن مقام
عالی بدو گوئیم: ما به از که دادیم این رفتیم
بر ما.

آری حزب توده، "پرمجدا علیه لیبرالسم" زربان منجشد، جاوس سیا، احدهی احدهی تطهیرات الفتنه پرمجدا، ی غیات تیه شه میبرد، و ما وقت عتد نداده، و بی ار این شه چکه لیسی لیبرالها، غا شتن توده ای به کمونستهای بیگبری جون ما که در همان هنگا منیزیا با طبعیت به طرف لیبرالها میبرد اغتم عدستان لیبرالها اطلاق میکند!

چـ حزب توده پس از اقامت شدن زواریب رحمت
الله خدا مرده ای را سقا تر مرگبارا جا آورد
چنینا ز زیبا یو علیله او را اداخت ، اما جـ
اینجا ست که نه تنها حزب توده با زها ازوی در
یو ده ها پیش تخریب و خنجر دگرده و قلمبه هـ سی
نفیست را دیکال را در کار میشتن حزب توده مرغه ای
بوده نه تنها زواریب و دیویریک و توند منگیس کرده ای
است بلکه ابن حفوت جا سوس با معرفی وضانت
توده ای بی معرفی وضانت عده ای چون محمود
داعتا زاده (ابن آهین) و فریدون شکا بنسی
بگاتون یوسندگن و ایران ا بهیدا میکنند .

آری واقعا که حزب توده را من مقدم را غای
بسیار رو بسپار «فدلیبرال» بوده است!
۵- حزب توده این مدعی میارزه علیه
لیبرالسم، پس از آنکه مطمئن شد جبهه ملی
دارای قدرتی در حاکمیت نیست و رهبران جبهه
بقیه در صفحه ۲۱

ط. فدار قانون اساسی و سلطنت طلب

[illegible]

برای مثال احسان طبری، رویزبونست
برهه مرکزی خود اعلام میکند که هدف مبارزه شان:
"اجرای آن مقرراتی است که در قانون
سیاسی ما تاکنون پنج تا سه بار اجرا و ضبط آن
کند یا کرده اند (۳) و این دفاع از قانون
سیاسی از جای که سلطنت را وهبتی الهی

۱- دنیا، دوره دوم، سال هفتم، شماره ۴ و نیز
۲- با مرجع استنادی: سینوا، دیپارک حزب به
نگاره ۴۵۴ حزب ریزوینویت بلغارستان و نیز
۳- مجله داودنوروزی، عضو کمیته مرکزی
حزب بوده، «با نشریات اشتراک داشته به حسب
ریزوینویت آلمان غربی، آوریل ۱۹۷۲
۴- بسوی حزب، شماره ۵۷
۵- دنیا، شماره ۱۳۸۰

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

قیام بهمن و انحرافات کمونیستها

اعلا به موقعیت انقلابی جنبش از نبرد مسلحانه میگفت (ما ندادا گونومینستها که دوران مبارزه نظامی را نیز مانند دوران افش، مبارزه مسلحانه را طلب می کنند) مبنی چریکی این اصل کمونیستی را که انقلاب کار و توده ها است نفی میگردوبیای متشکل کردن توده ها و پیروشان را برای مبارزه مسلحانه توده ای دست به اعمال جدا از توده می زدوا توده ها را حمله میگرفت.

هنگامی که قیام مدبر گرفت یکسری از کمونیستهای طرفدار مشی توده ای - انقلابی و از جمله رفقای سازمان ما علیرغم فقدان سازماندهی لازم در قیام شرکت نمودند، به علاوه چریکیها نیز در قیام شرکت جسته، منتهای چریکی با طرفداران مادی رزمی خود را ای کیفیت بیشتری دادند و به همین خاطر چریکیها را به مرکز برخی از درگیریها فرستادند. این امر اگرچه مریسار رشتینی بود، ولی چریکیها به معنای تدارک قیام از جانب مبارزه مسلحانه نبود. آنها از راه مبارزه مسلحانه دست زده بودند و نه از طریق ترک قیام و موضعیت انقلابی، لازمست بگوئیم که قیام را در اعلامیه مهر ۵۷، شفا بخوری جنبش دانشپویش را نه تدارک قیام ما... بلکه شفا رشتینی اخراج کرد از دانشگاه و اقرا رفیده و در اعلامیه بهمن ماه بدون انتقاد کمونیستی از مشی چریکی حاکم بر سازمان ما و طیفه اصلی کمونیستها را رفتن به کارخانه ها و ایجاد حزب طبقه کارگر از طریق کار در کارخانه ها، قیام را به معنای طبقه مبارزه مسلحانه میگرداند. قیام را قیام مبارزه مسلحانه و متشکل کردن طبقه کارگر از مریای شرکت فعال در قیام می گفتند. قیام مرکز تفکسل حوادث بود و برای این با مته در دسترس همین تحول انقلابی که شکل ظاهرات و نمایشات سیاسی قیام با مته جلوه میگردید، طبقه توده ها را متشکل ساخت. بهر صورت چه در کار ما (اکنون مشی) و چه در کار چپ (مشی چریکی) نتوانستند توده ها را برای قیام از پیر بر سرخ کمونیستها متشکل کنند و نتوانستند برای این ضعف به تائید و تشدید "رهبران" متزلزل و سارنگا رجنیش بر داختند و از کار کردن توده ها نسبت به مایهت طبقاتی آیت الله خمینی و... چشم پوشیدند و در واقع به توده توده ها افزودند، چرا که با یک درک مارکسیستی میتوانستیم آنچه را که آیت الله خمینی و لیسرا لیا و حزبها در آینده بر سر جنبش می آورند، دید و بهیمن خاطر مایهت سیاست وحدت و مبارزه با آیت الله خمینی پیش از قیام مبارز گزیده میشد و افشای عملکردهای ایشان در ارتباط با ارتدن و سران به داری و بسته برداخته میگردد. اما کمونیستها از اشتباهات گذشته - تا آن درس می آموزند و با جمعیتد این اشتباهات برای پیروزی کارگران و زحمتکاران در فرادای سرخ و نظریه منون کمونیسمی رزمند.



بیشتر صحیح برای ایجاد حزب، عقب ماندگی از جنبش، تبعیت از عقب مانده ترین افکار جامعه، عدم درک قانونمندیهای موقعیت انقلابی و لحظه قیام، این انحراف موجب میشود که جنبش خونین توده ها، به طور خودبیه خودی صورت بگیرد و در ده روز و از مریه سنتی بتواند بر این جنبش سوار شود و سپس با کمک بورژوازی متوسط آنرا مهار نماید.

مشی چریکی و قیام

اما اگر کمونیستهای طرفدار مشی توده ای - انقلابی فرصتگاه از موقعیت انقلاب و تدارک ملزومات قیام مدور بودند، بهر وانی مشی چریکی نیز فرصتگاه از توده ها و ملزومات لحظه قیام باطله دادند. آنها از راه مسلحانه پیش از تهننگام، منتهای یک تکتیک را بگانه تکتیک صحیح مبارزه طبقه ای میدادند و آنها تکتیک تکتیک نبرد مسلحانه را روشنفکران جدا از توده بودند. آنها در افش، "اعلا" و موقعیت انقلابی همواره از یک شیوه مبارزاتی سود می جستند. آنها درک نمی کردند که تکتیک های مبارزاتی با توجه به سطح جنبش توده ای متغیر میگردد و مخصوص آنها نمی فهمیدند که کمونیستها و طبقه در آمیختن با توده ها را دارند و انقلاب کارگر و چریکی (سازمان چریکیهای فدائی خلق) میخواستند، نبرد مسلحانه را خود آنها میدهند. آنها پیروزی انقلاب را در تکتیک سلسله ای خود میدیدند، نه در درگیری و طوفان خلق، بدین ترتیب آنها هیچ کوششی در جهت سازماندهی مبارزه مسلحانه توده ای انجام ندادند. آنها ضرورت و ضرورتها را انجاء ریستگ ما شین پس را بجای متشکل کردن آنیوه توده های آماده، برزم مسلحانه نماند میگذاشتند. آنها کوشی برای خود مبارزه میکردند، اگرچه تا تکتیک مارکسیستی نبرد مسلحانه در افش با "اعلا" تا در تکتیک، با در دوران موقعیت انقلابی، تا تکتیکی بحق است. لیکن با مشی گفت میان تا تکتیک مارکسیستی نبرد مسلحانه با آنچه قیام است انجام میداد، فاصله از زمین تا آسمان است. تا تکتیک مارکسیستی نبرد مسلحانه، دلالت دارد بر متشکل کردن توده ها و هدایت و رهبری نبرد مسلحانه خلق!

آنچه امروز در کردستان می بینیم نمونه خوبی است. بهیمنکاران چون ما می در داریای خلق می رزمند و بهیمنکار کسی نیست جز دهقانان و با شهربان زحمتکاران که توسط روشنفکران کمونیست رهبری میشود.

مشی چریکی از نبرد مسلحانه، توده ها و سازماندهی آنها را حذف می کند و نبرد با نیا را به خود را بجای قیام خلق میبندد. بدین ترتیب مشی چریکی نیز توده ها را و می نهاده به دنبال افکار غیر پیرویشی روان شود و بهیمنکاران سربش خرد بورژوازی مریه سنتی و بورژوازی متوسل بدل گردند، تا دوباره کارگاهان جدید را به داری و بسته غارت و استعمار را کنند. خلاصه کنیم مشی چریکی تا شریف و توده ها را بر تار تکتیک مبارزاتی نمی دید، یعنی چه در افش

منفرد شدن از خلق و واگذاری اعمال سرگردگی به رهبران سازشکار.

مشی توده ای - انقلابی و قیام

بارد مشی چریکی از سوی بخش متشکل از سازمان ما هدایت خلق و پذیرفتن مشی توده ای - انقلابی، این مشی در سطح جامعه معرفی میگردد. پیش از آن محافل و گروههای هوا دار این مشی، آنچنان در لاک خود فرو رفته بودند که انگار وجود ندارند، حتی برخی از آنها تنها پس از قیام ما حجت نام و عنوان شدند. اما جریانات مشی توده ای - انقلابی در این زمان دارای انحرافات راست عمیق هستند. بدین ترتیب در حول و حول قیام ما پس جریانات بجای آماده کردن توده ها برای شرکت در مبارزه مسلحانه توده ای اما به دنبال اعصاب منفی - توده ها را دارند. آنها درک نمی کنند که کمونیستها و طبقه دارند و رهبری که مبارزات توده ها قرار دارد در آن شرکت کنند، آنرا رهبری شما نیست و ارتقا بخشد، اگر مبارزات عمومی اقتصادی است و سطح جنبش توده ها افش و روگردان نشان میدهد، می با مشی در مبارزات اقتصادی توده ها شرکت کرد، منتهای آگاهی سیاسی را به میان آنان برود و کوششها را بکردن طبقه توده ها، مبارزات توده ها را غنا بخشد. بهیمنطور اگر سطح مبارزات توده ها موقعیت انقلابی را نشان میدهد، طبقه عاجل و خبیاتی کمونیستها تدارک برای قیام، شرکت فعال در مبارزات خونین توده ها، برای رهبری این مبارزات است. اکنون میسر در این دوران به عنوان جلوه ای از بارز انحراف براساس جریانی، بر افش گروههای هوا دار مریه توده ای - انقلابی حاکم است. بدین ترتیب بجای شرکت فعال در تدارک قیام ما، پس گروهها سرگرم سازمان دادن جنبش منفی و بسیاری از کارها نجات برای گرفتن حقوق عقب افتاده کارگران میباشند، در این میان یک حرکت مثبت از سوی سازمان ما پیکار انجام میگردد، که متاسفانه تحت فشار اکنون میسر عقب نشینی میکند.

این موضعگیری انقلابیها ما تا طرح شعار ایجاد "هسته های مسلح خلق" بود که در اعلامیه ای به همین نام در ۱۶ آذر ۵۷ منتشر میگردد. این اعلامیه دارای یک هسته انقلابی و سالم است و آن اینست که مبارزه مسلحانه توده ای را در دستور میگذارد. اما علیرغم این جنبه مثبت و بسیار اساسی از جنبه های دیگر دچار اشکالات نه چندان کم اهمیتیتی نبوده، ولی متاسفانه بجای کوشش در حل نقاشی آن، این شعار را در هر جنبه مثبت خود یعنی طرح شعار مسلح کردن توده ها با مخالفت اکثر گروههای موسوم به خط ۳ مواجه شد و متاسفانه سازمان نتوانست تدارک نبرد مسلحانه توده ای را سازماندهی کند. به طور خلاصه انحراف اساسی اغلب این جریانات عبارت است از عدم ایفای نقش عمده کارگاه در مبارزات توده ها، دچار بودن به نوعی "کارگروزی" و "حدا کردن" طبقه کارگر از دیگر اقشار دمکراتیک، نداشتن

ما رکن آموزگار و رهبر کارگران، انقلاب را حش تاریخ می نامد، چرا که از دیدگاه کمونیستها هیچ چیز پر شوکت تر از رهبری مبارزات توده ها در غایت ترسین شکستن بهمنی قیام مسلحانه و مبارزه مسلحانه توده ای نیست.

قیام انجاء رخنه توده ها بر علیه طبقات استعمارگر است. قیام توده ها با قیام انقلاب تنها چاره در هم کوبیدن قهر فدا انقلاب (ما شین جنگی و اداری دشمن) است. قیام متشکسان رنجهای تاریخ زحمتکاران است. آری قیام عالیه ترین شکل مبارزه طبقاتی است.

کمونیستها می با مشی توده ها را برای چنین دورانی با "دوران طوفانی سهمگین" آماده کنند و سپس با رهبری قاطعانه آنان، بهیمنطبقه کارگر را بر پیشانی انقلاب بکوبند. قیام عظیم کارگران و زحمتکاران در انقلاب کبیرا کثیر و مبارزه مسلحانه توده ای در چپ و راست، نمونه های درخشانی از جنبش رهبری کننده کمونیستها در مبارزه مسلحانه توده ها را نشان میدهد.

اما آیا کمونیستها در زمان قیام بهیمن بار دگر لیبیتی به قیام توده ها می نگرینند؟ واقعیت اینست که در اوج مبارزات توده ها بر علیه شاه و کمونیستها جدا بگردد. بهیمن توده ها انحرافات غیر پیرویشی بسیاری آلوده بودند. گذشته از چپ و بورژوازیسم در عرصه جانی بر علیه مارکسیسم و تشکیست و بحران جنبش کمونیستی جهان پس از خیابان های با ندر و خورشید - برژنف و تشک - هوا جوانی طبقه کارگر ایران و هموارسالیان دراز اپورتونسم گندیده و متشکل و بورژوازیستهای غاش توده ای در عرصه مبارزه طبقاتی و تا ثیرات اپورتونسم مشی چریکی، غربانی کاری بر جنبش کمونیستی ایران وارد کرده بودند. شون کمونیستی که تازه پس از سالهای ۴۲ با مریزندی با خروخیم، بهیمن به میدان گذاشته بود، دارای انحرافات متعددی بود و از ضعف پیوند با پرولتاریا در می کشید. مشی چریکی که اسالهای ۴۹، حاکمیت بری قید و شرط خود را بر جنبش کمونیستی اعمال کرده بود و برای مدتی کمیته امال روشنفکران و دانشجویان انقلابی گردیده بود، با توجه به مبارزه خونین توده ها به شدت زیر سوال میبرد و در چنین شرایطی نبرد خونین زحمتکاران از مریز علا به موقعیت انقلابی گذار کرده و آرام آرام به قیام نزدیک میشود. کمونیستها نسا توان از با سکوشتی به مغلطات جنبش، نظاره گر اعمال سرگردگی تا پیکرترین و متزلزل ترین قشر خرد بورژوازی (خرد بورژوازی مریه سنتی) بر جنبش خونین خلق هستند.

در این زمان که گذشته از انحراف براساس در بر خورده رهبری خرد بورژوازی بهیمنی عدم مبارزه با جنبه های منفی آن و جنبه های نا شیده ها که به رهبری خرد بورژوازی و بهیمنطور لیسرا لیا، تا حد "ملی" یا "حدا فسل" "ملی" لیسرا لیا "داشتن آن" دوا انحراف اساسی نسبت به قیام توده ها قابل برخورد است.

جنبش کمونیستی در این زمان مرکب از دو جریان اساسی است، یکی مشی توده ای - انقلابی و دیگری مشی چریکی، هر دو این جریانات نمی توانند از دیدگاه لیبیتی به استقبال قیام بروند، یکی عمدتاً دنبال عقب مانده ترین توده ها را است و دیگری خود به مبارزه مسلحانه جدا از توده دست میزند اما نتیجه یکی است: عدم پیوند با توده ها.

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

کمکهای مالی دریافت شده

ردیف	نام	مبلغ	ردیف	نام	مبلغ
۱	...	...	۱۰	...	...
۲	...	...	۱۱	...	...
۳	...	...	۱۲	...	...
۴	...	...	۱۳	...	...
۵	...	...	۱۴	...	...
۶	...	...	۱۵	...	...
۷	...	...	۱۶	...	...
۸	...	...	۱۷	...	...
۹	...	...	۱۸	...	...
۱۰	...	...	۱۹	...	...
۱۱	...	...	۲۰	...	...
۱۲	...	...	۲۱	...	...
۱۳	...	...	۲۲	...	...
۱۴	...	...	۲۳	...	...
۱۵	...	...	۲۴	...	...
۱۶	...	...	۲۵	...	...
۱۷	...	...	۲۶	...	...
۱۸	...	...	۲۷	...	...
۱۹	...	...	۲۸	...	...
۲۰	...	...	۲۹	...	...
۲۱	...	...	۳۰	...	...
۲۲	...	...	۳۱	...	...
۲۳	...	...	۳۲	...	...
۲۴	...	...	۳۳	...	...
۲۵	...	...	۳۴	...	...
۲۶	...	...	۳۵	...	...
۲۷	...	...	۳۶	...	...
۲۸	...	...	۳۷	...	...
۲۹	...	...	۳۸	...	...
۳۰	...	...	۳۹	...	...
۳۱	...	...	۴۰	...	...
۳۲	...	...	۴۱	...	...
۳۳	...	...	۴۲	...	...
۳۴	...	...	۴۳	...	...
۳۵	...	...	۴۴	...	...
۳۶	...	...	۴۵	...	...
۳۷	...	...	۴۶	...	...
۳۸	...	...	۴۷	...	...
۳۹	...	...	۴۸	...	...
۴۰	...	...	۴۹	...	...
۴۱	...	...	۵۰	...	...
۴۲	...	...	۵۱	...	...
۴۳	...	...	۵۲	...	...
۴۴	...	...	۵۳	...	...
۴۵	...	...	۵۴	...	...
۴۶	...	...	۵۵	...	...
۴۷	...	...	۵۶	...	...
۴۸	...	...	۵۷	...	...
۴۹	...	...	۵۸	...	...
۵۰	...	...	۵۹	...	...
۵۱	...	...	۶۰	...	...
۵۲	...	...	۶۱	...	...
۵۳	...	...	۶۲	...	...
۵۴	...	...	۶۳	...	...
۵۵	...	...	۶۴	...	...
۵۶	...	...	۶۵	...	...
۵۷	...	...	۶۶	...	...
۵۸	...	...	۶۷	...	...
۵۹	...	...	۶۸	...	...
۶۰	...	...	۶۹	...	...
۶۱	...	...	۷۰	...	...
۶۲	...	...	۷۱	...	...
۶۳	...	...	۷۲	...	...
۶۴	...	...	۷۳	...	...
۶۵	...	...	۷۴	...	...
۶۶	...	...	۷۵	...	...
۶۷	...	...	۷۶	...	...
۶۸	...	...	۷۷	...	...
۶۹	...	...	۷۸	...	...
۷۰	...	...	۷۹	...	...
۷۱	...	...	۸۰	...	...
۷۲	...	...	۸۱	...	...
۷۳	...	...	۸۲	...	...
۷۴	...	...	۸۳	...	...
۷۵	...	...	۸۴	...	...
۷۶	...	...	۸۵	...	...
۷۷	...	...	۸۶	...	...
۷۸	...	...	۸۷	...	...
۷۹	...	...	۸۸	...	...
۸۰	...	...	۸۹	...	...
۸۱	...	...	۹۰	...	...
۸۲	...	...	۹۱	...	...
۸۳	...	...	۹۲	...	...
۸۴	...	...	۹۳	...	...
۸۵	...	...	۹۴	...	...
۸۶	...	...	۹۵	...	...
۸۷	...	...	۹۶	...	...
۸۸	...	...	۹۷	...	...
۸۹	...	...	۹۸	...	...
۹۰	...	...	۹۹	...	...
۹۱	...	...	۱۰۰	...	...

رفقای پیکار با سلام

امیدوارم در پیکار انقلابی تان پیروز باشید.

طی رهنمود صحیحی که در پیکار ۸۶ برای ارسال منظم کمکهای مالی نوشته بودید، تصمیم گرفتیم از این به بعد کمکهای مالی خود را بطور منظم هر ماه ۹۲۵۰ ریال (۲۲۵۰۰ تومان) حق ما ها نه ۲۲۰۰۰ ریال فوق العاده یعنی حق ما موریت (برای تان بغیرت،

می میتوانیم زبونی که بوسیله خود داده - امداریات میکنیم، گذران کنیم، وظیفه خود می دانم از هر طریق که میتوانیم (توانا) به برقراری جمهوری دموکراتیک خلق (و ناگزیر به ما زما پیکار در راه آزادی طبقه کارگر) کمک کنیم.

با آرزوی موفقیت برای پیکارگران

سرا زها در سازمان درجه (ع)
توجه: کمکهای ارسالی کد رهگیری ندارند و می توانند با بعلت کمبود در شمارا به آینده درج خواهند شد.

بقیه از صفحه ۱۲ قیام...

طبقه کارگران نشسته بودند مهر خود را بر پشت می می گذاشتند و می گفتند: ما طبقه کارگر و توده های مستعبد به توقف نخواهند کرد آنها را دیروز علیه رژیم سربریده پهلوی مبارزه میکردند و امروز علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به مبارزه خود را ادامه میدهند. آنان این بار مصمم اند تا در پیروچهره سرخ طبقه کارگران استقرار جمهوری دموکراتیک خلق به پیش روند.

همراه با پیکار شماره ۹۳:

ضمیمه اول: کارنامه فعالیت دوساله رژیم جمهوری اسلامی

ضمیمه دوم: کارنامه مختصر مبارزات دلاورانه طبقه کارگر و خلقی ایران علیه امپریالیسم و رژیم جمهوری اسلامی

وابسته و افشای سازکاران توضیح داده میشود. اعلامیه: کارگران مبارز! اعلامیه: منتقل به فتنه سوزنی و کشیاد!

در این اعلامیه، مبارزات کارگران با فتنه سوزنی مورد حمایت قرار میگیرد. اعلامیه: با توطئه اخراج کارگران به مبارزه برخیزیم!

تحت عنوان فوق ضمن توضیح علت بیکار شدن کارگران، راه مقابله با آن و وظایف کارگران را در این رابطه توضیح میدهد.

تراکت: با مبارزه انفرادی مبارزه می شود! راه خیر است

در این تراکت نیز ضرورت مبارزه قهر - آمیز علیه رژیم برای تکرار شدن تجارب شوم ۲۸ مرداد ۳۳ و مثال آن، توضیح داده میشود. تراکت: انقلاب را تا به آخر ادامه دهید

در این تراکت علیه سازش رهبران همدار داده میشود و از توده ها خواسته میشود با مبارزه مسلحانه تا سرنگونی کامل رژیم، انقلاب را ادامه دهند.

تراکت: مبارزه مسلحانه را تا به آخر ادامه دهید! کمال طبقه کارگر را به مبارزه!

در این تراکت که در روز ۲۲ بهمن منتشر میشود، علیه به اصطلاح "بیطرفی" دروغسازان ارتش هشدار داده میشود و ضرورت نابودی کامل ارتش تهرانی و پیروان آن، توضیح داده میشود.

اعلامیه: پیشبوی تشکیل شوراهای انقلابی ایران
این اعلامیه ۴ روز بعد از پیروزی قیام خطاب به پرسنل انقلابی منتشر شد و در آن ضرورت تشکیل شوراهای سرپا زان، افشا و طرد فرماندهان مزدور... توضیح داده میشود.

اعلامیه: ارتش مسلح خلق و ارگانهای دفاعی توده ای را سازمان دهید!

در این اعلامیه نیز چگونگی حفظ دستاورد های قیام و مقابله با فدا انقلاب سابق توضیح داده شد و در این حال دارای انحراف را ستروانه ای در برخورد به رژیم جدید نبود. کلا اعلامیه هایی که در دوران اولیه حکومت جدید منتشر میشد، عمدتاً دارای انحرافات راستروانه بودند.

اعلامیه: دولت موقت انقلابی و برپا ماندن
در این اعلامیه سازمان درگ خود دولت موقت انقلابی و وظایف آنرا توضیح داده.

اعلامیه: پیشبوی تشکیل شوراهای کارگری
در این اعلامیه ضمن ضرورت تشکیل شوراهای کارگری، وظایف آنرا نیز توضیح میدهد.

در اوایل بهمن ماه ۵۹ سازمان به نشر انتشارات تریبون ترویجی و سیاسی کارگری از جمله "پیکار کارگر" و کارگری به پیش منتشر نمود. شماره پیکار کارگری در این توضیح "جمهوری دموکراتیک خلق" دیگری در مورد "حزب" پروتستیکال آن و نقش آن در انقلاب برپا سازدهای کارگران منتشر گشت.

کارگری به پیش شماره انتشارات اوایل بهمن ماه انتشار یافت که چگونگی سازماندهی مبارزات کارگران و تشکیل هشته های کارگری را شرح میدهد. همچنین جزوای نظیر "اعصاب و موزور" که به جمع بندی مبارزات کارگران و نقاط ضعف و قوت آن میپرداخت، منتشر میشود.

سازمان بعد از قیام نیز فعالیت کارگری (سویا لیستی) و دموکراتیک خود را افزایش داد و امروزه با جمع بندی از نتایج گذشته را هموار میزند. میگویند: سرخ پیروزی برولتا را ایران را هموار میزند. برافراشته با پیروچهره سرخ برولتا را ایران!

طبقه کارگر توضیح داده شده و از توده ها دعوت میشود با برپائی اعتصابات، نظرات سیاسی و کمک رسانی مادی به حمایت از کارگران اعتصابی برخیزند.

تراکت: با تشکیل هشته های مسلح، ارتش انقلابی خلق را هر چه زودتر تهراند رگ بینیم! در این تراکت از توده ها دعوت میشود تا مبارزه مسلحانه را در دستور کار داشته و با تشکیل هشته های مسلح به جنگ مسلحانه علیه رژیم برخیزند.

اعلامیه: پیشبوی تشکیل هشته های مسلح
در این اعلامیه در مورد ضرورت به کار گرفتن تاکتیک فوق و اشکال عملی مبارزه مسلحانه که در دستور روز قرار گرفته است، توضیح داده میشود و از آن به عنوان تاکتیک درجهت ارتفاع سطح مبارزات توده ها به دعوت.

تراکت: با واکی ها، خاشاک، سیمان و غیره - چنان محلی را معرفی و مجازات کنید. در این تراکت مجازات عوامل رژیم به عنوان یکی از وظایف هشته های مسلح و توده ها مورد تاکید قرار میگیرد.

تراکت: سرپا زان، درجه داران و افسران شرافتمند!
در این تراکت به سرپا زان رهنمود ها و در چگونگی تشکیل ارتش مسلح خلق داده میشود.

تراکت: با تشکیل هشته های مسلح، ارتش انقلابی خلق را تهراند رگ بینیم. این تراکت نیز به توضیح ضرورت برپا داشتن هشته های مسلح می پردازد.

تراکت: توطئه سکوت رژیم مزدور شاه را خنثی کنیم!
در اینجا به افشای توطئه رژیم در مورد سازماندهی برای سرکشی توده ها از وضعیت جنش برداخته میشود و وظایف توده ها در قبال این عمل ارکانه انتشار و تکثیر مستمر و روزمره، شرح نظرات و اعتصابات...

... میماند، توضیح داده میشود. تراکت: توطئه سکوت رژیم شاه را با شرکت مواج کنیم. این تراکت نیز مضمونی شبیه تراکت بالا دارد.

نشریه خبری "آخبار انقلاب"
این نشریه به دنبال رهنمودی که سازمان درجهت پخش اخبار و مبارزات توده ها، برای مقابله با تسویر مطبوعات داده بود، از نظر خود سازمان انتشار را مورد استقبال وسیع قرار میگیرد.

دی ماه
انتشار شمارهای ۴۳ و ۴۴ اخبار انقلاب این نشریه خبری زمانی که مطبوعات به همت توده ها از سر تیغ تسویر آزاد میشوند، دیگر منتشر نمی شود.

کارگران ما از صنعت نفت!
ضمن توضیح نقش خرد کننده اعتصاب علیه کارگران نفت که رژیم را بلرزاند، خسته بود، وظایف کارگران را در طول اعتصاب شرح میدهد.

اعلامیه: "تأهیر و سختی ریحی توطئه جدید امپریالیسم آمریکا و رژیم شاه"
در این اعلامیه توطئه جدید امپریالیسم که بصورت بر سر کار آوردن تأهیر و سختی ریحی توطئه جدید امپریالیسم، مفعلاً توضیح داده میشود.

تراکت: کارگران ما از صنعت نفت، پیشگاه - مان جنبش مصلحتی و دما امپریالیستی ایران! به توضیح نقش مبارزات کارگران صنعت نفت و وظایف آنان می پردازد.

بهمن ماه
پیروزی نهائی چیست و چگونه ما میتوانیم؟
در این اعلامیه ضرورت برپا داشتن قیام مسلحانه به منظور نابودی رژیم شاه را در

فعالیت سویا لیستی و دموکراتیک را ذکر میکند و با انحراف اکونومیستی در برخورد به قیام مرز بندی می نماید. سند شماره ۲ تراکت: چه میتوانیم ما! امپریالیستها را تا مین میکند؟

که در آن توضیح میدهد که منافع امپریالیستها چرا با منافع رژیم شاه گره خورده است و به ریخ از آن حمایت میکنند و به افشای ماهیت خلقی سیستم سرما به داری وابسته و رژیم ارتجاعی شاه می پردازد.

تراکت: کارگران و زحمتکشان!
که در آن نقش طبقه کارگر در جنبش توحش داده میشود.

تراکت: همبندان مبارز!
در این تراکت عقب نشینی شاه، ماهیت فاسقون اساسی و نقش لیبرالها، مورد افشا قرار گرفته است. تراکت: توطئه غرور مبارز!

در این تراکت نیز معنی آزادی و استقلال و چگونگی تحقق آن توضیح داده شده است. تراکت: کارگران و زحمتکشان!
که در آن غرور تشکیل حزب کمونیست، و علت اینکه طبقه کارگر بیکسیر ترین نیروی دمکرات است.

تراکت: دمکراتهای انقلابی، انقلابیون کمونیست
در این تراکت ضرورت وحدت انقلابیون و مقابله با تفرقه اندازی نیروهای ارتجاعی و فاشیستی مورد تاکید قرار میگیرد.

تراکت: توطئه سکوت رژیم مزدور شاه را خنثی کنیم!
در اینجا به افشای توطئه رژیم در مورد سازماندهی برای سرکشی توده ها از وضعیت جنش برداخته میشود و وظایف توده ها در قبال این عمل ارکانه انتشار و تکثیر مستمر و روزمره، شرح نظرات و اعتصابات...

... میماند، توضیح داده میشود. تراکت: توطئه سکوت رژیم شاه را با شرکت مواج کنیم. این تراکت نیز مضمونی شبیه تراکت بالا دارد.

نشریه خبری "آخبار انقلاب"
این نشریه به دنبال رهنمودی که سازمان درجهت پخش اخبار و مبارزات توده ها، برای مقابله با تسویر مطبوعات داده بود، از نظر خود سازمان انتشار را مورد استقبال وسیع قرار میگیرد.

دی ماه
انتشار شمارهای ۴۳ و ۴۴ اخبار انقلاب این نشریه خبری زمانی که مطبوعات به همت توده ها از سر تیغ تسویر آزاد میشوند، دیگر منتشر نمی شود.

کارگران ما از صنعت نفت!
ضمن توضیح نقش خرد کننده اعتصاب علیه کارگران نفت که رژیم را بلرزاند، خسته بود، وظایف کارگران را در طول اعتصاب شرح میدهد.

اعلامیه: "تأهیر و سختی ریحی توطئه جدید امپریالیسم آمریکا و رژیم شاه"
در این اعلامیه توطئه جدید امپریالیسم که بصورت بر سر کار آوردن تأهیر و سختی ریحی توطئه جدید امپریالیسم، مفعلاً توضیح داده میشود.

تراکت: کارگران ما از صنعت نفت، پیشگاه - مان جنبش مصلحتی و دما امپریالیستی ایران! به توضیح نقش مبارزات کارگران صنعت نفت و وظایف آنان می پردازد.

بهمن ماه
پیروزی نهائی چیست و چگونه ما میتوانیم؟
در این اعلامیه ضرورت برپا داشتن قیام مسلحانه به منظور نابودی رژیم شاه را در

فعالیت سویا لیستی و دموکراتیک را ذکر میکند و با انحراف اکونومیستی در برخورد به قیام مرز بندی می نماید. سند شماره ۲ تراکت: چه میتوانیم ما! امپریالیستها را تا مین میکند؟

رسیده که خواست بیان کنیم، مسئله از این قرار بود که رفیق مسعود پورکریم به همراه یک رفیق در قریب پرتگسوه سیم ماه در کنار خلق و بطور مسلحانه حضور داشتند.

روز ۲۳ سیم رفقها هنگام حرکت در شهر وزمانیکه از کمک به رزمندگان در خلق دریکی از مناطق شهران بودند توسط ما موبین کمیته اما مستقر در محل کمیته مرکزی (مدرسه رفاه) دستگیر گردیدند. در این هنگام افرا دگمیتنه به خلق سلاح رفیق مسعود که دارای یک سلاح با رات متعلق به ما زمان بود برداختند و سلاح ما زمانی رفیق دوم را نیز از ما میگیرند رفق امرا و میکنند که این اسلحه ها متعلق به ما زمان است و شما باید آنها را تحویل دهید، مسئولین کمیته اسلحه ها را به یک استوار ارتش که در آنجا همگاری میکرد نشان داده و میگوید این اسلحه را خارج از منطقه انداخته و تهرانی سلاحها را از این نوع ندارند. اما علیرغم اشیات این مسئله که اسلحه متعلق به ما زمان است کمیته جی ها از این دادن آن خودداری میکنند.

تمام کوشش جهت باز پس گرفتن سلاحها که توسط رفقا علیه رژیم مغفورا و بکاررفته بود بی نتیجه می باشد و این امر نشان داد که خاکمان جدید چگونه نسبت به کمونیستها خصومت ورزیده و چگونه علیه آنها و مقیاسها - خاسته اند.

به امید پیروزی کارگران و زحمتکشان ایران!

طی مدت زیادی به بیشترین قدرت را در اختیار خود بگیرند و به همین خاطر این تملیقا می-خواست برای ما سبیل امیریا لیسیم روس سرما به گذاری کند. اما همینکه بتدریج قدرت بسوی حزب متقابل میشد، زلیبرها روی بر میگذاشتند و ادعا میکرد که همواره لیسیرا لیسیم چنگیده است!

۷- حزب توده اکنون بخاطر آنکه بیتی مدر مقام برایت جمهوری را دارد، مستقیما و را لیسیرا لیسیم نخواهد داشت. اما اطرافیان او و رزنا و ما انقلاب اسلامی را لیسیرا لیسیم خواهد ساخت. حزب به مخالفت با او برخاسته است. اما ما جالب اینجاست که پیش از این در زمانی که لیسیرا لیسیم بیشترین قدرت را در اختیار داشتند، حزب توده - بنی مدر اطراف را روسا لیسیم تا میوه عنوان کرده است که "را و رشتگی" سرما به داری کذا را را افرا دی جون بنی مدر میخواند. به بیعت برود. در نوبت شماره ۷۰، ۴۴ ستاد ۵۷، حزب توده در مقابل "انقلاب ایران بر سر دود را" دورا و رشت سرما به داری را غیر سرما به داری را پیش بینی میکنند و سبیل توجیه وجود عناصری چون بنی مدر، امکان تحقق سبیل لیسیرا لیسیم را وسیله جمهوری اسلامی ممکن میدانند و بنی مدر و خمینی را همسای مجاهدین بحساب میاورد، به سدر و جی کنید:

"وقتی مجاهدین خلق، روشنفکران انقلابی مذهبی، شما پندکان نگر جنبش انقلابی اسلامی نظیر ابوالحسن بنی مدر (از پندکان اما خمینی) با ترمیم و ازلیم شدید پس اختلاف طبقاتی و حتی استقرا را مع "سدون طبقه توحیدی" و جاعه قسط که در آن مزایای قشری، گروهی و طبقاتی را بشده سخن می-گویند... بنی مدر و بنی مدر "انقلاب ایران" برای طرفداران "در دنگ رشت سرما به داری در - اختیار دارد، به همه قاطع توانای خود جلوه میکند." (تا کیدیک خطی از حزب توده و دو خطی از ما است.)

۵

گذاشته بودند. افرا دگمیتنه ای که به اخلال آمده بلقا طله مشغول خوردن غذای نیم خورده کار دیمهای مزدور شدند. این حقیقت نشان میداد که ستون فقرات قبا را توده های گرسنه و بیارسته تشکیل میدادند آنها قبا می-گردد بودند تا رندکی شوبنی را بدست آورند. این حقیقت نشان میداد که این نه با زاریهای کردن کلفت و سرما به داری را از لومفت، بلکه توده های محروم بودند که سینه ها را در بر سر کلوله های محمدرضا شاه سیر کرده بودند. سرما به داری را و تاجا رنه گرسنه بودند که غذای نیم خورده بخوردند و نه با خسته بودند که در برابر مسلسل های آمریکا شیب سیر کنند.

ما در همان موقع به زندان کمیته حمله کرده، درهای آسرا نکستیم و هر چه عکس شاه مزدور بود یا ربا رگر دیم، کار دیمهای مزدور که در خل سلیمینده بودند توسط یکسری افرا دوا بسته به کمیته محافظت میشدند تا کسی به آنها حمله نکند! در موقع سیرون آمدن افرا دوا بسته به کمیته ما بطور وسیع مردم را کدر دل کرده، آنها را خلع سلاح نموده و همه چیز را از آنها می گرفتند. جالب اینجاست که یک نفر زحمتکش که کفش پا رهای بیبا داشت آسرا دوا ورده و یک جفت پوشش نه با کرده بود، در جلوی در افرا دگمیتنه ما جتی از این یک جفت پوشش هفت گذشتند و پوشش را از پای او درآوردند!

●●●

"ما حبه کینه" در آخوردی به خا طرم

بقیه از صفحه ۱۵: حزب توده...

ملی را لیسیرا لیسیم را رشتگی و رشتگی مرتضیا امیریا لیسیم میداد. اما حزب توده نه تنها خواها را تشکیل جبهه و اخذ دیکتا توری و همینطور برقراری جمهوری اشتلاقی ملی با جبهه ملی بودند نه تنها برای تحقق چنین امری به پشت ترین تملیقا تین میداد، بلکه از سنجایی میخواستند که رهبری قبا توده ها را در دست بگیرد. به سندا افشا کننده زیر توجیه کنید: (توضیحاتی که آمده در شماره ۲۴ و ۲۵) (بنی کمنتر از یکما به ما نده به قبا م)

"۱) کمیته مرکزی حزب توده ایران از زهم رهبران جنبش رها طی بخش ملی ایران بویژه حضرت آیت الله العظمی خمینی، حضرت آیت - الله الطالقانی و آقای دکتر کریم سنجایی و سایر رهبران جریا نهایی ما رزمدهی و سیاسی در ایران که جتا بات رژیم را با کوشش و پوست خود حاسن کرده اند، دعوت میکنند که تمام نیرو و توانم خود را اعتبارا خود را در تشکیل "جبهه متحد آزادی ملی ایران"، جبهه ای که همه نیروهای راستین میهنی خود رژیم و ضد امیریا لیسیم را در بر بگیرد، به کار آورند. این جبهه وظیفه خواهد داشت که "مرهبری میا رزات عموم خلق را علیه نه با امیریا لیسیم در دست گیرد و ضمن استفاده از همه شیوه های عادی میا رزمه سیاسی، امرتدارک و رهبری میا رزمه مسلحانه خلق را علیه نیروهای مسلح رژیم به است - از ما زمان دهد." (همه کاید از ما است.)

آری چه باقه در خاستی "حزب توده" در میا رزمه علیه لیسیرا لیسیم را در دکتر کریم - سنجایی به تنهایی امیریا لیسیم میشود، نه تنها از رهبران جنبش رها طی بخش ملی قلمداد میشود بلکه اقتدار انقلابی و قاطع است که با یستی رهبری میا رزمه مسلحانه خلق بر علیه امیریا لیسیم را نیز در دست بگیرد!!

بجای حزب توده فکر میکرد، لیسیرا لیسیم

میروند. ما به همراه انبوهی از جمعیت به کلانتری آنها جبریدیم و ما سبیل آسرا ماما کرده تمام مبرونده ها را سورا شده و با ختمان کلانتری را به آتش کشیدیم. این جلوه ای بود از آتش نشانان غم خلقی که از ستم رژیم شاه مزدور به تنگ آمده بود.

تاکتیک با کوشش ها به آتش کشیده شدند

"ف" (شبه ۲۱) بهین تمام ملول خیابان تهران شو (دما رند) سگریندی شده بودند در سگری بود که در بالای دروازه بنزما مین قرار داشت. در سکر مقداری کوشش مولوف جمع کرده بودیم. در انتظار در کبری با دشمن بودیم. طرفهای ۴ صبح سه چهار تا تک بسمت فوزه با سبیل حرکت کردند تا سکر فیل از ما تا تک با کوشش به آتش کشیده شدند و تا تک دیگر بطرف سکر ما آمدند که ما آنها را زیر پا را کوشش گرفتیم. تا تکها آتش گرفت و بلافاصله را نند آنها بیرون پریدند.

قبل از آتش گرفتن تا تکها با فوری که یک سیم به ما در کرده بود حرفهای بی سیم تا تک را کنترل میکرد، را نند تا تک با مرکز تمام گرفته بود و با روجه ای که ملا تسلیم طلبانه میگفت: "چرا مرا بی حمایت فرستادید نباید مرا نجات بدهید". در حقیقت این روجه بیان از هم گسختگی ارتش بود ارتشی که در مقابل تعرض خلق دچار اختلال و شست گشته و گذشته از این قابل توجهی که از پا دگانا گریخته و به انقلاب روی آورده اند، افرا دوا بسیار زاری از سربازان وجود دارند که از سربازان بهین که در فضا را نند تا تک با خلع ادا می میدهند. فردای آن شب یعنی ۲۲ بهین در تصرف با غشا و بهیما توده های خلق شرکت داشتیم. سقوط پا دگان بعد از ظهر ۲۲ بهین موت گرفت. پا دگان زبا دقا و مت گرفته و خیلی سریع تسلیم شدند. مردم به مراکز اسلحه حمله کرده و به میزان بسیار زیادی فشنگ، نارنجک، آر پی - جی ۷، تاپ مصا دره نمودند. در همین موقع مردم سربازان را از خوابگاه ها و ساختمانها بیرون میاوردند و برای آنکه کسی به آنها حمله نکند لیسیمهای سربازی آنها را میبندند و لیسیمهای خود را به تن آنها می پوشانند. مردم به این طریق احساس میبستند که خود را با سربازانی که سوری مردم حمله نکرده بودند نشان میدادند و بهین طریق به آنها میگفتند که سربازان فرزندان خلق هستند.

گرسنه ها و پابرهنه ها در تصرف کمیته مشترک شهرانی - ساواک شرکت داشتند

"الف - ب": ۲ بعد از ظهر ۲۲ بهین - کمیته مشترک شهرانی - ساواک مورد حمله انقلابیون مسلح و توده های غیر مسلح قرار گرفت. در این حمله یکسری از رفقای کمونیست و از جمله خود شرکت داشتند. در حالیکه از داخل کمیته مزدوران تا هشتا جی جمعیت را به گریا رسته بودند. انقلابیون مسلح سینه - خیز به جلو میروفتند و توده های زبا دی نسیر به دنبال آنان حرکت میکردند. بعد از مدتی کار دیمهای شیریانی تسلیم شدند. بلافاصله مردم به داخل ساختمان حمله کرده و به سبیل در اسلحه ها و وسایل موجود در آن برداختند. در میان کما شتی که به کمیته حمله کرده بودند افرا دسبیل رفیق را نیز وجود داشتند. کار دیمهای موقع شها خوردن مورد حمله قرار گرفته و بنا بر این غذا های خود را نیم خورده باقی

تمام عکسهای شاه مغفور شما موبال با اخلال ساختمان به بیرون کشیده شد و سبیل یک مردم خرد شد. در همین موقع بود که چشمه رفیق تقی شها را افتاد که از ترفلق می خندید و دست میزد و سبیل با کینه مقداری از پیرونده - ها شتی که به بیرون پرتاب شده بود را به پاره کرد. اما شاید رفیق آسرا نکستیم دست که نا رهبران جدید بیرونده های ساواک را حفظ خوا نند کرد و کمونیستها را مورد تعقیب و شکنجه و عدا و قرا رخوا هنداد. همین که او نیز با سبیل اسنادا واک بجرم کمونیست بودن توسط رژیم جمهوری اسلامی سربازان شد.

پس از آن بطرف دانشگاه افسری رفتیم که از ابتدای درگیری تا آخرد آنجا بودیم فقط این نکته را بگویم که ما که افرا در رژیم تسلیم شدند من جزو کسی نبودم که به سبیل از انبوه جمعیتی که برای اسلحه بدست آوردن هجوم برده بودند پرتاب شده بود. کسی اگر زیر پا میافتاد دیگر نمیخواست است بماند، سبیل لگد و شاد دروا را اسلحه نکستند و در مقابل چشمه از ۲۰ تا ۳۰ م یک ها، شیریا رها و تا نیکه ها بود رفیق در سربازان شها رف کشیده بود. در عرض یک چشمه زدن انبوه را لیسیم بود. اول کسی که اسلحه ها را تقسیم کرد یک تیرا سرباز ما داد که دیدم خیلی سنگین است و حمل آن مشکل، به همین خاطر گفتم ۳ - ۲ به وز - ۳ را گرفتیم.

روز دوشنبه ۲۳ بهین بطرف اوین رفتیم درجا ده ها شتی که بسمت شیران میرفت، ما شها - ها، کما میونتا ووا نشتا ملول از جمعیت مسلح و غیر مسلح بود تا همین رفتند تا درهای کا خا و زندانها را باز کنند. اما در آن لحظه چه کسی میدانست که کا خا اگر چه بدست توده ها باز شد اما در خدمت کارگران و سربازان کمونیستان قرار نخواهد گرفت و زندانها اگر چه بدست توده ها نشود، اما دوباره کارگران و کمونیستها و آزادخواهان دیگر را در خود خواهد گرفت.

کلانتری نازی آباد در آتش

"ب - ن": شبه شب ۲۱ بهین ما همراه با بچه های محل کلانتری نازی آباد را به محاصره در آوریم. فقط من و یک رفیق دیگر مسلح بودیم و بقیه فقط به کوشش مولوف و سبیل و جوب مسلح بودند. بین ساعت ۱۲ - ۱۰ بود که ما محله را شروع کردیم. با سبیل بچه ها تا کلانتری به بالای پشت با کلانتری رفتند و بدست تیراندازی میکردند. در همین موقع یکی از بچه ها مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید و بنیال آن یکی دیگر گلوله خورد و ما مرده ها شتی بیرون ریخت. پس از این کشتار خشم مردم به حد نفجا رسیده بود. مردم محل بدست متا شده و گروه گروه به محل درگیری میا آمدند. در ستم در همین موقع که مزدوران شاه مزدور با گلوله بسته بودند، افرا دگمیتنه در حالیکه کار شها را کشیده ما را نشان میدادند به ما می گفتند: "چرا شما حمله میکنید، اما بدستور شما دنده ادا است - این حرف بدست در مردم تفرقا انگیزت مردم به عصبانیت آمده بودند و طلب اسلحه میکردند. اما کمیته جی ها مردم را به آتش و عدم تمرکز به جتا بنکاران سلطنت طلب دعوت میکردند. ما در همانجا به افشاکاری دست زده و کمیتس افشای آنها را در ندمیکند و لیسیمهای - کوبند تا کتا با غیج که حمله در سبیل است. مگر میشود در برابر این همه جتا با کتا بود؟ در همین موقع مزدوران مستقر در کلانتری از پشت کلانتری گریخته و به پا دگان هوانیروز

کرامی باد خاطره پیکارگر شهید رفیق محمود صمدی

ما زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
شهادت یکی دیگر از پیکارگران دلیر راه
رهائی طبقه کارگر رفیق محمود صمدی را به
کارگران و رزمندگان اعلام میدارم. ما زمان
ما افتخار میکنیم که در راه تحقق هدفهای
کمونستی و انقلابی خود آنقدر مصممانه پای
فشارده و سرخشتی را در دین کار خویش آن
اندازه سنا دگی کرده و خود را هدر داده ایم
اندازه مورد خشم و کینه سرما به داران و رژیم
حاکم آنها قرار گرفته است. اما غنا و آرا
ما زمان ما سرودند که تا آخرین نفس از
ساق طبقه کارگر و دیگر رزمندگان دفاع
کنند و دشمنان آنها را در هر جبهه و لبای کس
ناشدن میا برای نوده ها آتشنا بند.
رفیق محمود صمدی یکی از رفقای فعال و
عزیز ما بود که در راه کارگر و رزمندگان ۱۲ بهمن
ما بحکم جلادی ما را راگی که خاکسترس
ما عشق را است به خود ادا سپرده و خویشون
ما کثر در آستانه نده و صمدی سالگرد صمدی بهمن ماه
برجما رزمیگر کونستینا علیه نیروها
لسمو ارتجاع را زخمت کرد.

در تاریخ ۶ ماه آگوست ۱۳۵۹
۱۵ شب مردان رژیم در محله دهان در رفیق
ریخته و او را دستگیر میکنند و به سبایه داران
میبرند. رفیق سرخشت را در مقابل مزدوران
مقاومت میکنند و آرا را مقدس کارگران و
رزمندگان و ما زمان دفاع می نمایند. در
طول مدت زندانی بودن رفیق، اکثر جرحه
خا نوا دهان با فشار رتو تصدق ملاقات میکنند
اما مزدوران رژیم، هجوم و صنعت رفیق را
روشن میگردانند و او را و خا نوا دهان را در
جای نگه داری سکه شده، این وضعیت سنا
آدم حاکم تری ما را راگی بدما هتهر
ادا میداد می کند. او همچون خلخال جلا
روسو، برای زندان سنا می ما هتهر
کثیر "های سنگی را زمین میکنند (مشت)
برای بخش اعلامیه ۱۵ سال زندان و حتی ابد
عده ای را نیز محکوم ادا میدادند. یکی
از آنها رفیق شهید محمود صمدی بوده است که
در تاریخ ۱۵ بهمن ادا میدادند. جرحه
فروروز ما تلاقات نشسته ۱۸ بهمن ادا میداد
چهار رزمیگر میکنند.

بی شک هر یک از رزمیگران و رزمیگر رفیق محمود
صمدی که در راه آزادی پیکار کرده اند، طبقه کارگر
و دیگر رزمندگان بود. پیش سرما به داران و
رژیم حاکم آنها هیچ جرمی بداد نیست
بر کسی که در پیروده این رفیق هیچ به
اصلاح جرمی در سنگی ما زمان وجود
نهادت.

رفیق شهید محمود صمدی دانشجوی دانشکده
فنون تربیتی دانشگاه شهید بهشتی یکی از رفقای
قدما در ما زمان دانشجویان آتش موزان
پیکار بود. ۱۵ ماه پیش برای ما زمان دهسی
"داستوبان و آتش موزان پیکار" در آیدان
بدین ناحیه را متدور طول این مدت
مستول میباشیم ما زمان دانشجوی بود.
او وظایف محوله را در راه آزادی و فساد و ان
دنیا میگردانید به شکلی که مسئولین
بیشتری به او سپرده اند. رفیق در مرکز ش

نصفه دوم صفحه ۸

یادداشت‌های سیاسی هفته

دست بردارند. امیکویدرمانی که جنسیت و
اعتصاب کارگران و رزمندگان در حال اوج
گیری فرا شده است. "تصمیم همه" جزو گشتی
و انتحار و جبهه دیگری نیست. امیکویدرمان
انقلاب بدست میماند و انتحار بدست جنسیت
بخوا حسن مقابل و فدیته نماید. جنسیتی
میگوید: "من به آنها نصیحت میکنم که آرا
ناید. به آنها نصیحت میکنم که یکدیگر را
تکریز، بهجبهه بروی هم بریزند. همه ما هم
کشور را به پیش بریزد. اختلاف، سلمه ها را در
یک محله برادرانه حل کنند. نگذارید که
احسان و طبقه بشود. اگر احسان و طبقه بشود
به هر کس هر چه داده ام پس میگیرم."
آیت الله خمینی به حزبها و لیبرالها
میگوید: "آنها به یکدیگر را تکریر و تکریر
روی هم نریزند. همه ما میبایست اندر سرما به داران
و بسته را ادا بکنیم. جنسیت را سرکوب کنید
و از فروپاشی کل سیستم جلوگیری نماید. شاید
خمینی میگوید: اگر شما (یعنی حزبها و لیبرالها)
لیبرالها (در شیوه سرکوب انقلاب و در شیوه
مدیریت سرما به داران و بسته اختلاف طبقه
دارند، این امر بیا بدینجمله از هم گسختگی
و جدت طبقه نشانی شما شود. آری خمینی همه
جناحهای بورژوازی را به اتحاد در برابر سر
جنسیت فرا میخواند. اما در این حال با کتا به
لیبرالها (یعنی لیبرالها) میبایست در معرض ما بد
نمایند و در هر جبهه حزبها را بدینجمله
کنایه میزند: "مدر میگوید: اگر احسان و طبقه
بشود به هر کس هر چه داده ام پس میگیرم."
یعنی اگر شما (یعنی لیبرالها) کل قوا را بدست
اگر ما بر ما به جمهوری را به نویسد ام زور
جای و ولایت قوا را بدست شما را پس بگیرم و
همه را به خویشا میگیرم.

در این ترتیب روشن میشود که آنچه خمینی
را سرکوب کرده است شدت گیری بهجمله دهسی
درون حزبها و کتا به نشاندن در مقابل
به جونا بهجمله ای ارتجاع در برابر اوج
گیری از هم گسختگی است. آیت الله خمینی
خمینی بهما میگوید: "ما را رکا نیایم."
پسین را متوقف ساختن است. او وقوع قیام
دیگری بر خود میبرد. اما این قیام بدست
جناحهای ارتجاع قرار میگیرد. قیام
دیگری میبایست بدست عمل آید. اگر نشد
ما را به طبقه و دورما ای انقلاب بدست
سوال با نور قیام با حق منفی میدهد.



در دومین سالگرد قیام: آیت الله خمینی بورژوازی را به اتحاد در برابر جنبش فرا میخواند

کارگران و رزمندگان دیروز قیام کردند
و خون دادند تا بر سر پوش خوش خود حاکم
شوند. اگر دیروز کارگران کمکاری کردند،
اعتصاب کردند و در قیام شرکت نمودند، با طر
آن بودند سرما به داران و جیا و لگرا را نابود
سازند. اما آیا آنها به ادا خود رسیدند؟
نه و هرگز نه. پس چرا کارگران سرما به خود
ادا نمیدهند؟ آیت الله خمینی آنها را و اقامت
ها را می بیند. آنها کارگران را بر سرید. آیت
الله خمینی میگوید جیا و لگرا از کشور دور
نمایند و کارگران بدست بفرستند. ما می گوئیم
چرا کارگران همچنان در فقر و ستم غوطه
میخورند؟ خمینی میگوید: اعتصاب دیروز
بود اما نه قیام. ما می گوئیم اعتصاب سوار
دیروز خوب بود. انقلابی بود و با رزوا
اعتصاب و معارفت. دیروز هم درست است و در راه
منازع انقلاب است. اما این اعتصاب و
سما رزوما کاران علیه سرما به داران و جیا و ل
کرا و رژیم بدست رژیم جمهوری اسلامی است.
آیت الله خمینی در هر جبهه از آنها نصیحت
میگوید: "طبقه ها را تکریر و تکریر کنید. کارگران
اعتصاب نگذارند. آری او سنا بدست جنسیت
قیام به انما در قیام است. در یک بل
سقوط رژیم سرما به داران ادا شد و بهمن
خا طرد را سنا نده و صمدی را تکریر کنید. اما
قوا میگویند کارگران را به سرما به داران و انقلاب
برخورد دارد. خمینی از موضع انکسار و ضعف
میگویند جلورژوما رز طبقه ای میگیرد
اما مگر جنبش نوده ها ادا نمیدهند؟ اما
پسین نمی باشد؟ مگر کارگران و رزمندگان
در پی آن نیستند قیام بهجمله ما را به
انقلاب کامل تبدیل سازند؟

فراخوان برای اتحاد با بورژوازی

دیروز بورژوازی و اوچگری جنبش نوده ها
روند انقلاب، آیت الله خمینی بورژوازی را
به وحدت در برابر جنبش فرا میخواند. سنا
میگوید: "شما باید توجده شده باشید که هر
قشری از این کشور مسئول کاری است. تصمصف
شود، هر را رکا نی که در این کشور مشغول خدمت
است تصمصف بشود. این تصمصف، تصمصف همه
است و این استعرا است. "رشد جنبش نوده ها
شکاف در میان هاست که اکتفا عین کسره
است. حزبها اکثر مواضع قدرت را در دست
گرفته و میگویند با است جمهوری را نیز از
چنگ آنان بیرون آورند. ولیبرالها نیز
میگویند مواضع کونوسی را حفظ کرده و سنا
تعرین به حزبها و با مطلق آرا بدخواه نشان
دادن خود، به جنبش سوار شوند. حزبها
لیبرالها را طرفداران امپریالیسم خالص
میگویند ولیبرالها حزبها را مستعد و دیکتاتور
میخوانند. هر چه جنبش رند میبندند ادهای
درون هاست تا کما توجده میماند و دیروز
است که خدمت با بی این نهادا جرم میانی از
هم گسختگی ارتجاع در مقابل انقلاب معنی
دیگری ندارد. خمینی ما نشاندهی فتنوی
طبقه ای به جونا ح نصیحت میکند که ادها

در دومین سالگرد قیام دومین بهمن در
باشن، مبارزات کارگران و سرما به داران در
حال اوچگری روزافزون است و در برابر
های میان جناحهای هاست تا کما توجده بهجمله
خدمت میماند. این اوضاع و بخصوص رشد انقلاب
شمرده داران رژیم جمهوری اسلامی را به وحدت
انداخته است. طبق آیت الله خمینی ۱۵
بهمن آتش ندها ای اوج قیام است.

اوچگری جنبش و هراس رژیم

آیت الله خمینی از هر جبهه از صحن کارگران
و رزمندگان در و خشت و هر جبهه از صحن کارگران
تلم سرما به داران و بسته کونستی میگویند
سرا را به نوده هسین خا طرخا به سنا داران
میگوید: "یک مطلب بهی که با یکدیگر رزمندگان
را خا ندها، کارگران سنا دن و همه کارگران
در هر جبهه هستند که رندان در هر جبهه از کشور
هستند توجده آن میکنند. آنرا میگویند توجده
جا که هستند را ادا کنند. اگر در یک کار خا نده
سنا ای در یک معدنی، در یک ادا را ای سنا با
که با سی نظمی بخوا هندا تمام عمل میکنند. این
بی نظمی موجب این میشود که آنها نتوانند به
وظایف اسلامی خویشان به وظایف فلسفی
خویشان عمل کنند."

و اقرار به رعایت کردن نظم در برابر طبقه
سرما به داران و بسته به امپریالیسم بهجمله
است. لحظ نظم در کار خا ندهای سرما به داران
و بسته بهجمله است. اما رعایت نظم توسط
کارگران و احجام "وظایف اسلامی و ملی" بهجمله
معناست: "روشن تر از این نمیتوان صحبت
کرد. منظور خمینی از نظم در کار خا ندها
رعایت تصمصفین سرما به داران است. او
کارگران را به تحصیل نظم کتبخده و تصمصف
گندیده حاکم فرا میخواند. تا تولید سرما به
داری کما کاران به حرکت خود ادا میدهد. خمینی
به کارگران میگوید رکا نی و تکریر و تکریر
در این طریق "وظایف اسلامی و ملی" خود را
فرا میخواند. بورژوازی را به تکریر سرما به داران
جهت هرگز فکر سرما به داران و اعتصاب به
خود ادا نمیدهند. پس آیت الله خمینی میگوید:
".... اگر خدای بخوا سنا کتا نی که میخواند
در این کار خا ندها یک جناحی سنا کنند آنها
را بدینجمله و تبلیغات سنا آنها بر سر
نایند. امروز دعوت به کمکاری و بیگاری و
هر دعوت به اعتصاب یا خیانت بدین کشور است
و خیانت به جمهوری اسلامی. امروز کشور است
نیست که دعوت میدهند به اعتصاب، آن اعتصاب
سرکوب است و سنا کارگری سرکوب سنا
بود. شما را میگویند که اعتصاب کنید تا جیا و ل
کاران را از کشور خودتان دور کنید و بعد الله
عمل کرده و به متعذر رسیده. امروز عکس آن
روایت است...."

آیا حقیقتا امروز مثل دیروز نیست؟ چه
تعمیر و تحولی در زندگی کارگران و رزمندگان
ما بوجود آمده است؟ رژیم جمهوری اسلامی چه
جبری جز فقر و فلاکت بیشتر و جرم و سرکوب
بیشتر برای کارگران ما به ادا آورده است؟

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست